

423-211

CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحدہ

ETC-C11

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

211

Case No. 423

Date of filing: 22. Jan 88

** AWARD - Type of Award Final
- Date of Award 18. Dec 87
_____ pages in English 54 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
FINAL AWARD

Case No. 423

Chamber Three

پرونده شماره ۴۲۳

شعبه سه

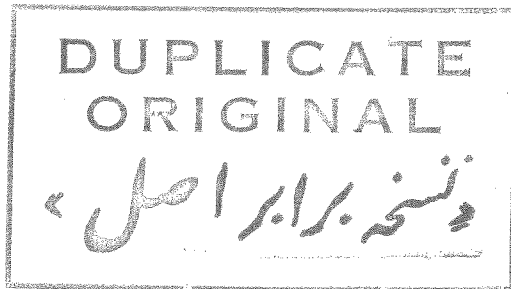
حکم شماره ۳-۴۲۳-۴۲۳

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه دآوری دعاوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	22 JAN 1988 ۱۳۶۶ / ۱۱ / ۲
No.	423

English version Filed on	18 Dec 87
۶۹ / ۱۲ / ۲۷	نسخه انگلیسی در تاریخ
	ثبت شده است.

مینه سوتا ماینینگ اند منیو فکچرینگ کامپنی،
خواهان،

- و -



جمهوری اسلامی ایران،
وزارت مسکن و شهرسازی،
شرکت ساختمانی آرمه،
شرکت ابوالحسن دیبا و شرکاء، با مسئولیت محدود، و
شرکت پلی اکریل ایران،
خواندگان.

حکم نهایی

حاضران :

از جانب خواهان : آقای استیون سی. نلسون
خانم مج اس. تورسن
آقای بروس آر. مک کری
آقای گری اف. لاینز
وکلاي خواهان.

از جانب خوانندگان : آقای محمد کریم اشراق
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،
آقای نعمت اله مختاری
مشاور حقوقی نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،
آقای مهدی معین فر
مشاور وزارت مسکن و شهرسازی،
آقای ذبیح‌الله علوی هراتی
وکیل وزارت مسکن و شهرسازی،
آقای یحیی آقالو
شاهد،
آقای موسی فضل عزیزاده
وکیل شرکت ساختمانی آرمه و
شرکت ابوالحسن دیبا و شرکا، با مسئولیت محدود.

سایر حاضران : آقای مایکل اف. رابوین
قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده.

شماره پاراگراف

	<u>اول - موضوعات مقدماتی</u>
۱	الف - گردش کار
۴	ب - بموقع بودن و قابلیت پذیرش اسناد و ادعاهای تسلیمی
	<u>دوم - صلاحیت</u>
۷	الف - تابعیت خواهان
۱۴	ب - وضعیت خواندگان
۱۸	ج - سایر موضوعات
	<u>سوم - ماهیت دعوی</u>
	الف - ادعای آرمه
۲۷	۱ - شرح مآوقع
۵۷	۲ - موضع خواهان
۶۳	۳ - موضع آرمه
۷۴	۴ - تصمیم دیوان
	ب - ادعای دیبا
۸۳	۱ - شرح مآوقع
۸۴	۲ - موضع خواهان
۸۶	۳ - موضع دیبا
۹۰	۴ - تصمیم دیوان
	ج - ادعای پلی اکریل
۹۴	۱ - شرح مآوقع
۹۵	۲ - موضع خواهان
۹۷	۳ - موضع پلی اکریل
۹۹	۴ - تصمیم دیوان
	<u>چهارم - بهره و هزینه‌ها</u>
۱۰۱	الف - بهره
۱۰۲	ب - هزینه‌ها
۱۰۸	<u>پنجم - حکم</u>

اول - موضوعات مقدماتی

الف - گردش کار

۱ - در ۲۸ دیماه ۱۳۶۰ [۱۸ ژانویه ۱۹۸۲]، مینه سوتا ماینینگ اند منیو فکچرینگ کامپنی ("خواهان") دادخواستی علیه دولت و کشور ایران ("ایران")، وزارت مسکن و شهرسازی ("وزارت مسکن")، وزارت بهداری، داروپخش، وزارت دفاع و نیروی دریایی ایران ("نیروی دریایی") به ثبت رساند. وزارت مسکن، وزارت دفاع، وزارت بهداری، داروپخش و ایران لوایح دفاعیه‌ای به ثبت رساندند. علاوه بر این، سه واحد دیگر نیز که در دادخواست بعنوان خواننده ذکر نشده، ولی بعنوان ذینفع از آنها نام برده شده بود، اقدام به ثبت لوایح دفاعیه نمودند. این واحدها عبارت بودند از: شرکت ابوالحسن دیبا و شرکاء با مسئولیت محدود ("دیبا")، شرکت سهامی خاص آرمه ("آرمه") و شرکت پلی اکریل ایران ("پلی اکریل"). دیوان داوری طی دستور مورخ هشتم آبانماه ۱۳۶۵ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۶] افزودن آرمه، دیبا و پلی اکریل را به شمار خواندگان پرونده حاضر، رسماً پذیرفت. آرمه و دیبا ادعاهای متقابلی نیز علیه خواهان مطرح ساخته‌اند.

۲ - در ۲۹ آذرماه ۱۳۶۳ [۲۰ دسامبر ۱۹۸۴] خواهان و ایران، وزارت بهداری و داروپخش درخواست مشترکی جهت صدور حکم داوری مبتنی بر شرایط مرضی الطرفین به ثبت رسانده، به قسمت هایی از ادعا که متوجه وزارت بهداری و داروپخش بود، فیصله دادند. موافقت نامه حل و فصل به عنوان حکم جزئی به ثبت رسید. حکم شماره ۴۲۳-۱۶ مورخ دوم بهمن ماه ۱۳۶۳ [۲۲ ژانویه ۱۹۸۵] شعبه ویژه صادره در پرونده مینه سوتا ماینینگ اند منیو فکچرینگ کامپنی و جمهوری اسلامی ایران.

۳ - خواهان طی اظهاریه‌ای که در دوم دیماه ۱۳۶۴ [۲۳ دسامبر ۱۹۸۵] به ثبت رساند، ادعای مطروح علیه نیروی دریایی و وزارت دفاع را پس گرفت. متعاقب جلسه استماع مقدماتی در چهارم بهمن ماه ۱۳۶۴ [۲۴ ژانویه ۱۹۸۶]، که طی آن خواندگان اعتراضی به استرداد ادعا نکردند، دیوان با صدور دستور مورخ ۳۰ بهمن ماه ۱۳۶۴ [۱۹ فوریه ۱۹۸۶] به ادعای مطروح علیه نیروی دریایی و وزارت دفاع خاتمه داد.

ب - بموقع بودن و قابلیت پذیرش اسناد و ادعاهای تسلیمی

۴ - خواهان به ثبت پاره‌ای اسناد توسط دو تا از خواندگان اعتراض کرده است. در ۱۷ دیماه ۱۳۶۵ [هفتم ژانویه ۱۹۸۷] وزارت مسکن "لایحه تکمیلی" غیرمجازی را تسلیم کرد که در آن اظهار داشته بود که به ادعای متقابل آرمه می‌پیوندد. علاوه براین، وزارت مسکن در لایحه معارض تسلیمی در هشتم اسفندماه ۱۳۶۵ [۲۷ فوریه ۱۹۸۷] خویش، ظاهراً ادعای متقابل جدیدی مطرح ساخت. در ۱۵ بهمن ۱۳۶۵ [چهارم فوریه ۱۹۸۷] یعنی یک ماه پس از مهلت مقرر توسط دیوان، دیبا نیز لایحه‌ای تسلیم کرد. درست است که لایحه تکمیلی وزارت دفاع مجاز نبوده و لایحه دیبا پس از مهلت مقرر و بدون ارائه دلیل و توضیح ثبت گردیده، لکن با توجه به رای دیوان در ماهیت دعوی، پذیرش این مدارک، خواهان را متضرر نساخته و دیوان اسناد مزبور را رد نمی‌کند. لکن دیوان بر این نظر است که ادعای متقابل وزارت مسکن دیر به ثبت رسیده و لذا پذیرفته نمی‌شود.

۵ - ادعای مطروح علیه آرمه، بصورتی که بدواً مطرح شده بود، به ۹۵۵،۷۰۹/۰۶ دلار بالغ می‌شد. خواهان با تسلیم لایحه‌ای در ۱۲ خردادماه ۱۳۶۵ [دوم ژوئن ۱۹۸۶] ادعای خود را اصلاح نموده، آنرا به ۱،۱۵۲،۱۷۷/۱۰ دلار افزایش داد. نظریه اینکه خواننده اعتراضی به این اصلاحیه نکرده است و به نظر دیوان آرمه از این بابت

متضرر نشده، لذا اصلاحیه پذیرفته می‌شود.

۶ - در نهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [۲۹ آوریل ۱۹۸۷] جلسه استماع پرونده برگزار شد. دو روز قبل از آن، یعنی در هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [۲۷ آوریل ۱۹۸۷]، خواهان سندی تسلیم کرد حاوی اطلاعاتی در مورد هزینه‌های ادعایی داوری وی، شرح خلاصه مواضع طرفین راجع به مبالغ سیاهه شده و پرداخت شده بابت ادعای مطروح علیه آر مه و مستخرجه‌ای از روزنامه رسمی دولت ایران. خوانندگان به پذیرش این سند اعتراض کردند. دیوان طبق رویه قبلی خود، در جلسه استماع نظر داد که دو مجموعه اطلاعات اول، قابل قبول است. لکن در رابطه با مستخرجه روزنامه رسمی، دیوان نظر داد که این قبیل مدارک جدید در این مرحله از رسیدگی، قابل پذیرش نیست.

دوم - صلاحیت

الف - تابعیت خواهان

۷ - خواهان مدعی است که تبعه ایالات متحده است و طبق بیانیه حل و فصل دعاوی، حق دارد نزد دیوان طرح دعوی نماید. وی همچنین ادعا می‌کند که طبق بند ۲ ماده هفت بیانیه یاد شده، حق دارد ادعاهای مینه سوتا (۳ - ام) میدل ایست اس. آ. ال. ("۳ - ام میدل ایست") شرکت لبنانی تابعه و تماما "متعلق به خود را بصورت غیرمستقیم نزد دیوان مطرح کند.

۸ - دیوان براساس ادله و مدارک تسلیمی متقاعد شده است که الزامات صلاحیتی بیانیه حل و فصل دعاوی در مورد تابعیت خواهان احراز شده است. این امر محرز گردیده که

خواهان یک شرکت ثبت شده در ایالت دلهور است که از حسن شهرت تجاری برخوردار است و متجاوز از ۹۸ درصد سهامداران رسمی آن دارای نشانی پستی در ایالات متحده بوده‌اند و هیچ سهامداری بیش از ۵ درصد از سهام واجد حق رأی را مالک نبوده و درصد سهام عادی خواهان که در اختیار اتباع غیرامریکایی مقیم خارج از ایالات متحده بوده، از ۱/۳ درصد تجاوز نمی‌کرده است. رقم اخیر با مراجعه به مالیات تکلیفی که خواهان از سود سهام پرداختی به سهامدارانش در مارس ۱۹۸۱ کسر کرده، به دست آمده است. از کل رقم ۱۰۲/۷۵،۵۰۳،۸۸ دلار سود سهام پرداختی، مبلغ ۱۷۰،۶۳۳/۷۹ دلار بابت سود پرداختی به اشخاصی کسر شده که آدرسی در امریکا نداشته و به خواهان اطلاع نداده بودند که تبعه ایالات متحده هستند. باتوجه به ۱۵ درصد نرخ مالیات تکلیفی، این بدان معنی است که مبلغ -/۱،۱۳۷،۵۵۸ دلار یا ۱/۲۹ درصد کل سود سهام، به اشخاصی پرداخت شده که نشانی شان خارج از ایالات متحده بوده است.

۹ - براین اساس، دیوان متقاعد شده است که نسبت به ادعاهای مطروح توسط خواهان صلاحیت دارد.

۱۰ - معهذاً، بخشهایی از ادعاهای پرونده حاضر متعلق به ۳ - ام میدل ایست است که حسب ادعا، شرکت تابعه تماماً متعلق به خواهان می‌باشد. خواهان در تأیید حق خود به طرح غیرمستقیم ادعاهای ۳-ام میدل ایست، به فرمان شماره ۶۰۲ ریاست جمهوری لبنان استناد می‌کند که حاکیست ۳ - ام میدل ایست در تاریخ ۲۷ آذرماه ۱۳۴۳ [۱۸ دسامبر ۱۹۶۴] در لبنان تاسیس شده و تعداد ۲۴۰۰ سهم منتشر ساخته است. خواهان همچنین سوگندنامه‌ای از موسسه حسابداران رسمی خود، کوپرز اند لایبرند ارائه نموده که حاکی است در دهم دیماه ۱۳۵۴ [۳۱ دسامبر ۱۹۷۵] و دهم دیماه ۱۳۶۰ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۱] ۳-ام میدل ایست تعداد ۲۴۰۰ سهم منتشر

شده و در حال مبادله داشته و این سهام در تاریخهای یاد شده به نام ۳-ام ثبت شده بوده است". علاوه براین، خواهان نسخه‌ای از یک فقره گواهی سهام تسلیم نموده که طبق آن سهام "شماره ۳۰۱ تا ۲۴۰۰" به نام خواهان به عنوان مالک اسمی، صادر شده بوده است. بالاخره، خواهان اظهاریه‌ای توسط "نایب رئیس و دبیر" خود، آقای آرنو دی. لوی تسلیم نموده که می‌گوید:

۳ - ام دارنده رسمی و مالک انتفاعی سهام شماره ۳۰۱ الی ۲۴۰۰ [۳ - ام میدل ایست] است. سهام شماره ۱ الی ۳۰۰ به نام سه نفر که مدیر ۳ - ام میدل ایست بودند صادر شد. کلیه سهام اخیرالذکر را مدیران یاد شده به عنوان نماینده [خواهان] که کماکان مالک انتفاعی به شمار می‌رفت، در دست داشتند. [خواهان] معتقد است که کلیه گواهی نامه‌های سهام یاد شده، باطل گردیده، لکن نتوانسته این امر را ثابت کند، زیرا کلیه گواهی نامه‌های مذکور اکنون در لبنان است ...

۱۱ - دیوان داوری بر این نظر است که ادله و مدارک ابرازی، به هر صورت ثابت می‌کند که خواهان صاحب ۲،۱۰۰ فقره از سهام منتشره و در حال مبادله ۳ - ام میدل ایست است. در نتیجه، و طبق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، خواهان حق دارد ادعای غیرمستقیمی از جانب ۳ - ام میدل ایست در این دیوان مطرح سازد.

۱۲ - معهذاً، خواندگان به حق خواهان نسبت به اقامه کل ادعا ایراد گرفته، می‌گویند که نامبرده مالکیت خود بر متجاوز از ۲۱۰۰ فقره از تعداد ۲۴۰۰ سهم منتشره و در حال مبادله را ثابت نکرده است.

۱۳ - دیوان داوری معتقد است که ادله و مدارک مربوط به ماهیت مالکیت خواهان نسبت به سهام شماره ۱ تا ۳۰۰ از جهاتی ضد و نقیض است. روشن نیست که خواهان

صاحب انتفاعی این سهام است یا مالک رسمی آنها. معهذاً، دیوان معتقد است که در هر دو حالت، خواهان حق دارد تمامی ادعای غیرمستقیم را مطرح کند و در نتیجه، از نظر دیوان محرز است که خواهان حق طرح تمامی ادعا را دارد.

ب - وضعیت خواندگان

۱۴ - تنها اختلاف در مورد موقعیت خواندگان، به وضعیت آرمه، دیبا و پلی اکریل مربوط می‌شود. کلیه این واحدها منکر آنند که طبق بیانیه حل و فصل دعاوی، تحت کنترل ایران هستند و لذا استدلال می‌کنند که ادعاهای مطروح علیه آنها، قانوناً در دیوان قابل اقامه نیست.

۱۵ - سوابق نشان می‌دهد که طبق اطلاعیه‌ای که در روزنامه رسمی مورخ ۱۸ مهرماه ۱۳۵۸ [دهم اکتبر ۱۹۷۹] ایران انتشار یافته، ایران مدیران موقتی برای آرمه تعیین کرده بوده است. مدیر دولتی دیگری نیز در ماه دسامبر ۱۹۸۱ منصوب گردید. خواهان ادعا می‌کند که این امر دال بر آنست که آرمه یک واحد تحت کنترل ایران است. آرمه منکر آن نیست که ایران مدیران موقتی تعیین کرده و یا اینکه مدیران مزبور هنوز بر سر کار خود در آرمه باقی هستند. بالعکس، نامبرده استدلال می‌کند که نصب مدیر توسط دولت، به تنهایی کافی برای احراز کنترل توسط ایران نیست. در پرونده‌های قبلی، دیوان نظر داده است که نصب مدیر توسط دولت، علی‌الظاهر دلالت بر کنترل دارد. رجوع شود به: حکم شماره ۳-۲۵۵-۱۷۶ مورخ ششم اردیبهشت ماه ۱۳۶۴ [۲۶ آوریل ۱۹۸۵] (ص ۱۵ متن انگلیسی) صادره در پرونده دیک آو دلهور اینک و شرکت نوسازی تهران، که در Iran- U.S. 8 C.T.R. 144, 155 چاپ شده، و نیز حکم شماره ۲-۵۷-۴۶ مورخ چهارم خردادماه ۱۳۶۲ [۲۵ مه ۱۹۸۳] (ص ۹ متن انگلیسی) صادره در پرونده کیمبرلی کلارک

کورپ. و بانک مرکزی ایران که در Iran- U.S. C.T.R. 334, 338 2 چاپ شده است، و حکم شماره ۳-۱۳۲-۲۱ مورخ ۲۰ دیماه ۱۳۶۱ [دهم ژانویه ۱۹۸۳] (ص ۷ و ۸ متن انگلیسی) صادره در پرونده رکسنورد اینک. و جمهوری اسلامی ایران، که در Iran- U.S. C.T.R. 6, 9-10 2 چاپ شده است. آرمه مدرکی حاکی از اینکه سهامداران شرکت کماکان کنترل آن را در دست دارند و یا مدیران موقتی که حسب اعتراف، توسط ایران تعیین شده بودند، کنترل شرکت را واگذار کرده‌اند، ارائه نکرده، حال آنکه آرمه این اطلاعات را در صورت وجود، در اختیار دارد. از اینرو، دیوان نتیجه می‌گیرد که آرمه طبق بیانیه حل و فصل دعاوی، یک واحد تحت کنترل دولت است و صحیحا" می‌توان علیه آن در دیوان اقامه دعوی کرد.

۱۶ - خواهان همچنین مدعی است که دیبا یک واحد تحت کنترل است. نامبرده، به عنوان مدرک این فرضیه، نامه مورخ ۱۸ دیماه ۱۳۵۸ [هشتم ژانویه ۱۹۸۰] ف. دیبا، مدیر عامل دیبا به ۳ - ام میدل ایست را ارائه نموده که در آن آمده است:

شاید اطلاع نداشته باشید که عده‌ای پاسدار مسلح انقلاب که خود را بنیاد مستضعفین می‌نامند، شرکت ما را در اختیار گرفته و داراییها، حسابهای بانکی و غیره را به غارت برده و ابنیه شرکت را اشغال کرده‌اند.

دیبا در لایحه دفاعیه خود، ادعای خواهان را دایر بر اینکه توسط ایران ملی شده، انکار کرده است. معهذاً، از خود لایحه دفاعیه معلوم است که دیبا در واقع تحت کنترل بنیاد مستضعفان قرار گرفته است. متن انگلیسی لایحه را "بنیاد مستضعفان" از جانب دیبا امضاء نموده و در عنوان لایحه دفاعیه، نام شرکت بدین شرح ذکر شده: "ابوالحسن دیبا و شرکا^۶ با مسئولیت محدود (بنیاد مستضعفان)". دیوان قبلاً نظر داده است که بنیاد مستضعفان از دستگاههای تحت کنترل ایران است. رجوع شود به: قرار اعدادی شماره ۱-۱۳۴-۵۴ مورخ ۲۶ شهریورماه ۱۳۶۴ [۱۷ سپتامبر

۱۹۸۵] (صفحات ۲۳ الی ۳۱ متن انگلیسی) صادره در پرونده هایت اینترنشنال کورپ و جمهوری اسلامی ایران. بنابراین، از آنجا که دیبا دلیلی در رد مدارک موجود در پرونده که حاکی از کنترل بنیاد مستضعفان بر آنست، ارائه ننموده، دیوان نتیجه می‌گیرد که دیبا، طبق بیانیه حل و فصل دعاوی یک واحد تحت کنترل [دولت] بوده، و لذا مشمول صلاحیت دیوان است.

۱۷ - خواهان برای اثبات ادعای خود دایر بر اینکه پلی‌اکریل نیز یک واحد تحت کنترل است سندی تحت عنوان "تصویب نامه راجع به تعیین مدیران موقت شرکت پلی‌اکریل" که در روزنامه رسمی مورخ ۱۷ خرداد ماه ۱۳۵۸ [۷ ژوئن ۱۹۷۹] منتشر شده و همچنین آگهی مورخ ۲۲ تیر ماه ۱۳۶۲ [۱۳ ژوئیه ۱۹۸۳] تغییرات هیئت مدیره منصوب دولت در شرکت پلی‌اکریل به موجب احکام [انتصاب] صادره از سوی سازمان صنایع ملی ایران" را، تسلیم نموده است. پلی‌اکریل تصدیق کرده است که "دولت از تاریخ ۵ خرداد ماه ۱۳۵۸ [۲۶ مه ۱۹۷۹] به طور موقت در مدیریت شرکت مشارکت نموده"، لکن استدلال می‌کند که چنین مشارکت موقتی، کافی برای احراز کنترل نیست. معهذاً، پلی‌اکریل به هیچگونه دلیل و مدرکی در تایید این ادعای خود که شرکت دولت در مدیریت پلی‌اکریل موقتی یا مشروط بوده، استناد نکرده است. بنابه مراتب پیش گفته، دیوان بر این نظر است که پلی‌اکریل از لحاظ بیانیه حل و فصل دعاوی، یک واحد تحت کنترل ایران است.

ج - سایر موضوعات

۱۸ - بحثی نیست که ادعاهای مطروح، به ترتیب مقرر در بیانیه حل و فصل دعاوی، از دیون یا قراردادهای ناشی می‌شوند.

۱۹ - لکن آرمه اظهار داشته است که ادعای مطروح علیه آن، بدلیل وجود یک قید ادعایی انتخاب مرجع رسیدگی در قرارداد مورد بحث، از حیطة صلاحیت دیوان خارج است. شرط مورد اشاره مقرر می‌دارد که کلیه اختلافات «تابع قوانین ایران خواهند بود». آرمه استدلال می‌کند که این بدان معنی است که هرگونه اختلافی باید منحصرًا در دادگاههای ایران رسیدگی شود و بدین ترتیب، ادعا از حیطة صلاحیت دیوان خارج می‌شود. لکن، دیوان قبلاً نظر داده است که چنین قیدی تأثیری در صلاحیت دیوان ندارد. رجوع شود به: قرار اعدادی شماره ۶-۱ مورخ ۱۴ آبانماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲] دیوان عمومی صادره در پرونده گیبس اند هیل اینک و شرکت توانیر که در Iran- U.S. C.T.R. 236 1 به چاپ رسیده است.

۲۰ - براین اساس، دیوان براین نظر است که نسبت به ادعاهای مطروح توسط خواهان در این پرونده، صلاحیت دارد.

۲۱ - موضوع صلاحیت دیوان نسبت به ادعاهای متقابل خواندگان، ذیلاً همراه با ماهیت ادعاهای متقابل، مورد بحث قرار می‌گیرد.

سوم - ماهیت دعوی

۲۲ - پرونده حاضر شامل سه فقره ادعای خواهان و یا شرکت فرعی وی، ۳ - ام میدل ایست است بابت کالاها و خدماتی که به موسسات مختلف ایرانی ارائه شده است. اولین ادعا که به مراتب بزرگتر از سایر ادعاها است، راجع به قراردادی است بین ۳ - ام میدل ایست و آرمه برای نصب یک روکش مخصوص جایگاه در بخشی از استادیوم ورزشی تهران. خواهان مدعی است که طبق قرارداد، آرمه و در

غیراینصورت، وزارت مسکن، کلا" مبلغ ۱،۱۳۶،۲۸۹/۸۷ دلار(۱) به ۳ - ام میدل ایست بدهکار است.

۲۳ - آرمه و وزارت مسکن ادعاهای متقابلی مطرح ساخته‌اند. آرمه اظهار می‌دارد ۳ - ام میدل ایست کلا" مبلغ ۱،۳۵۲،۴۰۶/۸۰ دلار بابت اضافه پرداخت‌هایی که بابت قرارداد انجام داده و تعمیراتی که آرمه به دلیل نقص اجرای پروژه توسط ۳ - ام میدل ایست مجبور شد انجام دهد، به وی بدهکار است. وزارت مسکن به ادعای متقابل آرمه پیوسته و علاوه بر آن، در لایحه معارض خود، ادعای متقابل جدیدی به مبلغ -/۳،۶۶۲،۲۷۰ دلار بر مبنای خساراتی که در اثر نواقص ادعایی در اجرای قرارداد توسط ۳ - ام میدل ایست متحمل شده، مطرح ساخته است.

۲۴ - دومین ادعاء ادعایی است به مبلغ ۸،۰۶۷/۷۲ دلار که بابت برخی وسایل عکسبرداری که ۳ - ام میدل ایست به دیبا فروخته، پرداخت نشده باقی مانده است. دیبا در برابر این ادعاء ادعای متقابلی به مبلغ -/۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال، بابت خساراتی که حسب ادعا در اثر عدم تحویل ادعایی پاره‌ای مواد شیمیایی لازم برای استفاده در دستگاه‌های خریداری شده از ۳ - ام میدل ایست متحمل گردیده، مطرح ساخته است.

(۱) در جلسه استماع، خواهان پاره‌ای اصلاحات را در مورد دو فقره صورتحساب قبول و تصدیق کرد که مبلغ -/۸۰۰،۰۰۰ ریال بابت صورتحساب دیگری دریافت کرده است. لذا نامبرده ادعایش را -/۱،۱۱۲،۱۰۶ ریال کاهش داد. براین اساس، پس از تبدیل به دلار، مبلغ ۱۵،۸۸۷/۲۳ دلار از کل رقم مورد مطالبه، یعنی ۱،۱۵۲،۱۷۷/۱۰ دلار کسر و ادعا به ۱،۱۳۶،۲۸۹/۸۷ دلار کاهش داده شد.

۲۵ - آخرین ادعا بابت مقداری کالاست که خواهان به پلی اکریل فروخته است. کل مبلغ صورتحسابهای قیمت کالاهایی که حسب ادعا پرداخت نشده، ۳۰،۱۰۰/۹۱ دلار است.

۲۶ - هر دو طرف در کلیه لوایح خود، برای تبدیل ریال به دلار در ادعاهایشان پیوسته از نرخ تبدیل ۷۰ ریال به ۱ دلار آمریکا استفاده کرده‌اند. نرخ تبدیل مذکور در قرارداد مربوط بین شرکت تجاری نوبل ("نوبل") و ۳ - ام میدل ایست نیز به چشم می‌خورد (رجوع شود به: پاراگراف ۲۷ زیر) و نرخ معقولی به نظر می‌آید. از اینرو، کلیه مبالغ ریالی مربوط به قراردادها به نرخ ۷۰ ریال به ۱ دلار، به دلار آمریکا تبدیل خواهد شد، مگر آنکه به نحو دیگری در این حکم مقرر گردد.

الف - ادعای آرمه

۱ - شرح ماوقع

۲۷ - در اوایل سال ۱۹۷۶، موسسه عبدالعزیز فرمانفرمایان و همکاران (آفا) در مورد امکان عایق کاری جایگاههای استادیوم ورزشی آریامهر (که اکنون استادیوم ورزشی تهران نامیده می‌شود) با ۳ - ام میدل ایست تماس گرفت. آفا یک موسسه ایرانی مهندسی مشاور بود که در ارتباط با نظارت بر کار نوسازی استادیوم برای وزارت مسکن کار می‌کرد. در تاریخ ۳۰ مردادماه ۱۳۵۵ [۲۱ اوت ۱۹۷۶] پس از ارائه پروفرما، مشخصات فنی و نمونه‌ها و بازدیدهایی توسط پرسنل آفا از سایر ساختمانها و استادیوم‌هایی که با محصولات ۳ - ام میدل ایست عایق کاری شده بود، ۳ - ام میدل ایست قراردادی جهت فروش و نصب مواد عایق ۳ - ام موسوم به اسکاج کلد در استادیوم ("قرارداد") منعقد ساخت. قرارداد بین ۳ - ام میدل ایست و آرمه، یک موسسه پیمانکاری ایرانی که طبق قرارداد منعقد با وزارت مسکن، پیمانکار اصلی

نوسازی استادیوم بود، امضاء شد. در قرارداد تصریح شد که دولت ایران آفا را "برای طراحی و نظارت بر کارهای استادیوم" منصوب کرده است. ۳ - ام میدل ایست طی قرارداد مورخ دهم شهریورماه ۱۳۵۵ [اول سپتامبر ۱۹۷۶] کار نصب عایق را به پیمانکار فرعی ایرانی خود بنام نوبل واگذار کرد. ("قرارداد نوبل")

۲۸ - قرارداد بین ۳ - ام میدل ایست و آرمه، ۳ - ام میدل ایست را ملزم می‌کرد که کلیه مواد و مصالح و نیروی کار لازم جهت نصب اسکاچ کلد در استادیوم را عرضه نماید. قرارداد همچنین مقرر می‌داشت که "مقدار اسکاچ کلد لازم در حال حاضر، برای استفاده در مساحتی قریب ۴۰،۰۰۰ مترمربع خواهد بود."

۲۹ - شرط مربوط به پرداخت به شرح زیر است:

هزینه مواد و مصالح و خدمات

(۴۰،۰۰۰ مترمربع اسکاچ کلد، غیر از آماده سازی مخصوص سطح و نظارت بر تعویض جایگاهها)

ا (یک) مصالح براساس فوب/ ایالات متحده ... ۳۴۵،۶۷۸/۲۰ دلار

ب (دو) خدمات ... ۱۹۳،۸۰۲/۴۰ دلار

۳۰ - پرداخت مبلغ ۳۴۵،۶۷۸/۲۰ دلار بابت مواد و مصالح قرار بود از طریق اعتبار اسنادی صورت گیرد. قیمت مواد، هزینه‌های حمل را شامل نمی‌شد، لکن توافق شده بود که علاوه بر قیمت صورتحساب، هزینه‌های واقعی حمل نیز پرداخت شود. طرفین قبول دارند که کلیه مواد و مصالح حمل شد و مضافاً اینکه آرمه از طریق اعتبار اسنادی، قیمت تمامی کالاهای حمل شده، از جمله کرایه حمل را به طور کامل طبق

قرارداد پرداخت کرد. بدین ترتیب، کل مبلغی که بابت مواد و مصالح، از جمله هزینه حمل، طبق قرارداد پرداخت شد، ۵۱۴،۰۶۴/۷۳ دلار بود.

۳۱ - پرداخت مبلغ ۱۹۳،۸۰۲/۴۰ دلار برای نصب روکش، قرار بود بدین ترتیب صورت گیرد: ۲۵ درصد مبلغ به مجرد آغاز کار، ۳۰ درصد پس از تکمیل ۵۰ درصد کار، ۲۵ درصد پس از تکمیل صد در صد کار و ۲۰ درصد "پس از صدور تأییدیه به امضای [آفا] مبنی بر اینکه کار موضوع پیمان از لحاظ پرداخت صورتحساب نهایی مورد تأیید می باشد. (مدت - ۱۲ ماه پس از تکمیل کار)". طرفین قبول دارند که بابت این خدمات پرداختی صورت نگرفته است.

۳۲ - قرارداد مضافاً ۳ - ام میدل ایست را ملزم می کرد که دو فقره ضمانت نامه حسن انجام کار ارائه نماید. یکی از ضمانت نامه ها بابت ۸ درصد کل بهای قرارداد بود و قرار بود که تا انقضای مدت سه ساله ضمانت عایق کاری ("ضمانت حسن انجام کار") نگهداری شود. برای ایفای این تعهد، ۳ - ام میدل ایست ضمانت نامه ای به شماره ۲۴/۴۱۴، بدواً به مبلغ -/۵۱،۰۳۵ دلار تحصیل نمود، که بعداً پس از چند فقره افزایش در قیمت قرارداد، میزان آن به -/۷۰،۷۹۳ دلار افزایش یافت. این رقم -/۷۰،۷۹۳ دلار، ۸ درصد کل -/۸۸۴،۹۱۶ دلاری بود که به عنوان کل قیمت از جمله هزینه های برآوردی اولیه حمل، به اضافه مبلغ پروفرمای دیگری برای آماده سازی مخصوص سطح در پروفرماها قید شده بود. (رجوع شود به: پاراگراف ۳۹ زیر).

۳۳ - ضمانت نامه دوم، بابت ۱۰۰ درصد هزینه مواد و مصالح قرارداد بود که به عنوان وثیقه اعتبار اسنادی تجاری آرمه به همان مبلغ صادر شد و قرار بود پس از نصب آن قسمت از مواد و مصالح که با هواپیما حمل می شد، آزاد گردد. بابت این

تضمین، ۳-ام میدل ایست ضمانت نامه‌ای به شماره ۲۴/۵۸۸ و به مبلغ ۶۰/۹۱۴،۶۵۲ دلار ("ضمانت نامه مصالح") تحصیل کرد. مبلغ ضمانت نامه برابر کل هزینه مواد و مصالح مندرج در پروفرماهای اولیه، از جمله هزینه‌های برآوردی حمل بود. خواهان توضیح داده است که چون هزینه‌های حمل به میزان قابل ملاحظه‌ای پائین تر از میزان برآورد شده بود، کل رقم واقعی که در صورتحساب منعکس و پرداخت گردید، ۷۳/۰۶۴،۵۱۴ دلار بوده است. معهذاً، مبلغ ضمانت نامه کاهش داده نشد.

۳۴ - قبل از نصب عایق اسکاچ کلد، جایگاههای استادیوم باید برداشته و سطح آن آماده سازی می‌شد. مسئولیت اجرای این آماده سازی مخصوص سطح، با آرمه بود ولی ۳ - ام میدل ایست ملزم بود بر این کار نظارت کند. معذک، قیمت کار نظارت در بهای قرارداد منظور نشده بود، بلکه حق الزحمه ۳ - ام میدل ایست بابت نظارت مزبور، در پروفرمای مورخ ۲۰ مردادماه ۱۳۵۵ [۱۱ اوت ۱۹۷۶] قید شده بود.

۳۵ - کارهای مقدماتی در سپتامبر ۱۹۷۶ شروع شد و ۳ - ام میدل ایست دو نفر مشاور جهت نظارت به محل کار اعزام نمود.

۳۶ - اجرای کار آماده سازی سطح، پیش از آنچه که بدواً انتظار می‌رفت، به طول انجامید. در ۱۸ اسفندماه ۱۳۵۵ [نهم مارس ۱۹۷۷] و مجدداً در هفتم فروردین ماه ۱۳۵۶ [۲۷ مارس ۱۹۷۷]، آرمه به ۳ - ام میدل ایست اطلاع داد که نصب روکش اسکاچ کلد می‌تواند در ۱۷ فروردین ماه ۱۳۵۶ [ششم آوریل ۱۹۷۷] آغاز شود. ۳ - ام میدل ایست بلافاصله به نوبل دستور داد پرسنل نصب روکش را بسیج کند، لکن در واقع، کار آماده سازی سطح در موعد مقرر تکمیل نشد. لذا، گروه نصب نوبل نتوانست کار خود را شروع کند، بلکه تا آخر آوریل و تا مدتی از ماه مه

بصورت آماده باش نگاه داشته شد. در ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ [ششم مه ۱۹۷۷] ۳ - ام میدل ایست اکثر پرسنل نصب را مرخص کرد و به آرمه اطلاع داد که تا هنگامی که کار آماده‌سازی سطح به نحو رضایت بخشی انجام نشود، پرسنل نصب را مجدداً بسیج نخواهد کرد.

۳۷ - در قرارداد قید شده بود که بابت تاخیرهایی که ۳ - ام میدل ایست مسئول آن نباشد، تا مبلغ /-۳،۰۰۰ دلار در روز بعنوان هزینه آماده باش پرداخت گردد. طبق این شرط، در ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ [دهم مه ۱۹۷۷] ۳ - ام میدل ایست صورتحسابی به مبلغ /-۲،۳۳۱،۶۸۰ ریال بابت حق‌الزحمه آماده باش از تاریخ ۱۷ فروردین ماه الی ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ [ششم آوریل ۱۹۷۷] الی ششم مه ۱۹۷۷، معادل هزینه‌های واقعی آماده باشی که نوبل به موجب قید مشابهی در قرارداد نوبل به حساب ۳ - ام میدل ایست منظور کرده بود، برای آرمه صادر کرد. در ۱۸ خردادماه ۱۳۵۶ [هشتم ژوئن ۱۹۷۷] و ۲۱ تیرماه ۱۳۵۶ [۱۲ ژوئیه ۱۹۷۷] نوبل دو فقره صورتحساب دیگر بابت هزینه‌های آماده باش، به ترتیب به مبلغ /-۷۴۵،۴۲۸ ریال و /-۷۹۹،۴۴۸ ریال برای ۳ - ام میدل ایست صادر کرد. ۳ - ام میدل ایست این صورتحسابها را نیز جهت پرداخت به آرمه تسلیم نمود.

۳۸ - در پنجم خردادماه ۱۳۵۶ [۲۶ مه ۱۹۷۷] ۳ - ام میدل ایست به آفا اطلاع داد که وی هزینه‌هایی بابت آماده باش متحمل می‌شود و از آفا تقاضا کرد که ترتیبی اتخاذ کند که تاریخ قطعی آغاز کار تعیین شود، تا از تاخیرها و هزینه‌های بیشتر جلوگیری بعمل آید.

۳۹ - در این مرحله، آرمه سه فقره قرارداد دیگر ("قراردادهای جنبی") با ۳ - ام میدل ایست منعقد ساخت. در اولین قرارداد، آرمه از ۳ - ام میدل ایست خواست که

بقیه کار آماده سازی سطح جایگاههای استادیوم، به ویژه درزگیری منافذ و شکافها را به عهده گیرد. در ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ [هفتم مه ۱۹۷۷] ۳ - ام میدل ایست نرخها و شرایط پیشنهادی خود را برای انجام این کار ارائه داد. در ۱۸ خردادماه ۱۳۵۶ [هشتم ژوئن ۱۹۷۷] آرمه با ذکر این شرط که بر خلاف پیشنهاد ۳ - ام میدل ایست، خود آرمه پرسنل ایرانی لازم را جهت انجام کار، با نظارت ۳ - ام میدل ایست تامین خواهد کرد، به شرکت مزبور دستور داد فوراً کار درزگیری را آغاز کند. در اول تیرماه ۱۳۵۶ [۲۲ ژوئن ۱۹۷۷] ۳ - ام میدل ایست تغییرات را قبول و کار را شروع کرد.

۴۰ - در قرارداد دوم، آرمه از ۳ - ام میدل ایست تقاضا کرد که بر قسمتهای دیگر بقیه کار، از جمله بریدن سیمان، لکه‌گیری و تمیزکاری مستقیماً نظارت کند. در ۱۲ مردادماه ۱۳۵۶ [سوم اوت ۱۹۷۷]، ۳ - ام میدل ایست با انجام اینکارها نیز، با همان شرایط درزگیری موافقت کرد.

۴۱ - در قرارداد سوم، آرمه مواد و مصالح جدیدی را تقاضا و از ۳ - ام میدل ایست خریداری کرد. جزو این مصالح، موادی بود که می‌بایست در کار آماده سازی اضافی که ۳ - ام میدل ایست انجام آنرا قبول کرده بود، مورد استفاده قرار می‌گرفت و همچنین پاره‌ای مواد و مصالح که می‌بایست جانشین موادی می‌شد که به علت تاخیر در آماده سازی مخصوص سطح، غیرقابل استفاده شده بود. کل قیمت این مواد و مصالح ۱۲۳،۲۱۳/۲۰ دلار بود. مصالح مزبور در اوت ۱۹۷۷ ارسال و قیمت آن از طریق اعتبار اسنادی که آرمه قبلاً افتتاح کرده بود، به طور کامل پرداخت شد.

۴۲ - نوبل، یعنی پیمانکار فرعی ۳ - ام میدل ایست، از ۲۵ تیرماه ۱۳۵۶ الی ۱۴

آبانماه ۱۳۵۶ [۱۶ ژوئیه ۱۹۷۷ الی پنجم نوامبر ۱۹۷۷] تعداد یازده فقره صورتحساب بابت خدماتی که طبق قراردادهای جنبی انجام داده بود، جمعا" به مبلغ -/۲۱،۴۵۵،۶۳۱ ریال (یا ۳۰۶،۵۰۹/۰۱ دلار) صادر کرد ("صورتحسابهای نویل"). طرفین قبول دارند که بخشی از این صورتحسابها پرداخت شده، لکن در مورد مبالغ پرداخت نشده، اختلاف دارند.

۴۳ - در اواسط ژوئیه ۱۹۷۷ کار آماده سازی سطح به قدر کافی انجام شده بود تا ۳ - ام میدل ایست بتواند کار نصب عایق اسکاج کلد را بر جایگاههای استادیوم آغاز نماید. در ۲۹ تیرماه ۱۳۵۶ [۲۰ ژوئیه ۱۹۷۷] ۳ - ام میدل ایست صورتحسابی [به تاریخ هفتم آبان ماه ۱۳۵۵ برابر با ۲۹ اکتبر ۱۹۷۶] بابت ۲۵ درصد پرداخت اولیه قرارداد، که می بایست به مجرد آغاز کار، به ترتیب مصرح در قرارداد، صورت می گرفت، تسلیم کرد. هر سه فقره صورتحساب دیگر مربوط به سه قسط بقیه که می بایست برای کار نصب عایق پرداخت می شد، در تاریخ ۲۰ مهرماه ۱۳۵۶ [۱۲ اکتبر ۱۹۷۷] صادر شد. صورتحسابهای اخیرالذکر به ترتیب به مبلغ -/۵۸،۲۰۰ دلار، -/۴۸،۵۰۰ دلار و -/۳۸،۶۰۲ دلار بود که مجموعا" معادل ۲۵ درصد بقیه قیمت قراردادی خدمات، یعنی -/۱۹۳،۸۰۲ دلار می شد. طرفین قبول دارند که بابت این چهار فقره صورتحساب، وجهی پرداخت نشده است. همچنین در ۲۰ مهرماه ۱۳۵۶ [۱۲ اکتبر ۱۹۷۷] ۳ - ام میدل ایست صورتحسابی به مبلغ -/۳۸،۲۰۰ دلار بابت "آماده سازی مخصوص سطح، نظارت و بازرسی طبق پروفرمای مورخ ۲۰ مردادماه ۱۳۵۵ [۱۱ اوت ۱۹۷۶]" به آرمه تسلیم داشت. طرفین قبول دارند که صورتحساب مزبور هنوز پرداخت نشده، لکن آرمه به صحت صورتحساب ایراد دارد.

۴۴ - ۳ - ام میدل ایست در نامه مورخ ۲۹ تیرماه ۱۳۵۶ [۲۰ ژوئیه ۱۹۷۷] خود که طی آن پرداخت اولین قسط هزینه نصب عایق اسکاج کلد را مطالبه کرد، به آرمه

چنین نوشت: "با استفاده از این فرصت از شما تقاضا می کنیم ضمانت نامه بانکی صادره در سال ۱۹۷۶ را آزاد کنید. ضمانت نامه بانکی مزبور به مبلغ ۶۵۲،۰۰۰/- دلار و بابت کل قیمت مواد و مصالحی است که به طور کامل به آرمه تحویل شده است."

۴۵ - به نظر می رسد که تا اوایل اکتبر ۱۹۷۷ کار نصب عایق، به غیر از مقداری صیقل کاری جزئی و قسمتهای کوچکی که باید توسط آرمه تعمیر می شد، عمدتاً انجام گردیده بود. لکن، بعداً اختلاف عمده ای بین طرفین بروز کرد. آرمه اظهار می دارد که در نحوه اجرای قرارداد توسط خواهان نواقص عمده ای وجود داشته و خواهان این مطلب را انکار می کند.

۴۶ - در اواخر اکتبر ۱۹۷۷، آفا به ۳ - ام میدل ایست اطلاع داد که در قسمتهایی از استادیوم که عایق کاری شده، آب نشت کرده و اظهار عقیده کرد که این امر معلول نقص در کار نصب اسکاچ کلد بوده است. خواهان پس از بازبینی هایی پاسخ داد که به نظر وی، نواقص ادعایی یا معلول نقص در لوله کشی بوده، یا بدلیل میخ هایی بوده که آرمه هنگام نصب تابلو بر دیوارها، روی اسکاچ کلد کوبیده و یا به علت وجود شکاف هایی در بتون زیرکار بوده است. خواهان مضافاً اظهار داشت که در قرارداد صراحتاً قید شده است که ۳ - ام میدل ایست مسئولیتی بابت این علل ندارد.

۴۷ - بعداً یعنی در نوامبر ۱۹۷۷، پس از آنکه استادیوم مجدداً برای استفاده عموم گشایش یافت، آفا به ۳ - ام میدل ایست شکایت کرد که بر خلاف مشخصات فنی و تضمینهای داده شده، اسکاچ کلد هنگام رویدادهای ورزشی آتش می گیرد و می سوزد. خواهان پس از بازبینی به این نتیجه رسید که مشتعل شدن ادعایی

اسکاچ کلد در موافعی رویداده که تماشاچیان در جریان مسابقات و بعنوان قسمتی از مراسم ورزشی، اوراق برنامه مسابقه و روزنامه‌ها را روی اسکاچ کلد جمع کرده و آتش می‌زدند. به گفته خواهان، تحقیقات وی همچنین ثابت کرد که آنچه که مشتعل شده، اسکاچ کلد نبوده بلکه محلول خاصی بوده که برای درزگیری شکافهای زیر اسکاچ کلد به کار رفته است.

۴۸ - به نظر می‌رسد که طرفین چندین بار برای یافتن راه حلی از طریق مذاکره، با یکدیگر ملاقات کردند. در جلسه‌ای که در ۱۶ آذرماه ۱۳۵۶ [هفتم دسامبر ۱۹۷۷] با حضور نمایندگان ۳ - ام میدل ایست و آفا تشکیل شد، ظاهراً توافق بعمل آمد که نصب روکش اسکاچ کلد "کلا" برای تصویب نهایی (آفا) هنوز تکمیل نشده و آفا می‌تواند ضمانت نامه بانکی را "موقتاً" ضبط کند، لکن به آرمه کتبا" دستور داده خواهد شد که "وجه دو فقره صورتحساب اول بابت هزینه‌های نصب اسکاچ کلد را بپردازد." در ۱۷ آذرماه ۱۳۵۶ [هشتم دسامبر ۱۹۷۷] آفا ضمن ارسال سه نسخه "صورتحساب مربوط به عایق کاری جایگاهها و نظارت و بازرسی سطح آماده شده ... به آرمه چنین دستور داد:

خواهشمند است، در صورتیکه وجهی بابت این کار [صورت حسابهای ۳-ام] پرداخت نشده، طبق قرارداد بین آن شرکت (آرمه) و شرکت ۳ - ام عمل کرده و اقدام لازم را جهت پرداخت صورتحسابهای ۳-ام که به تعویق افتاده، انجام دهید و این شرکت را از نتیجه امر کتبا" مطلع سازید.

در سوابق، اقدامی از جانب آرمه در این زمینه به چشم نمی‌خورد.

۴۹ - معهدا، اندکی پس از آن، آفا ظاهراً" به آرمه دستور داد که تا رفع و ترمیم نواقص یعنی نشت آب و قابلیت اشتعال- از انجام هرگونه پرداخت و آزاد کردن ضمانت نامه‌های حسن انجام کار ۳ - ام میدل ایست، خودداری نماید.

۵۰ - سوابق امر حاکی است که در اوایل سال ۱۹۷۸ طرفین به منظور یافتن راه حل رضایت بخشی برای مسایل ادعایی، به ملاقات و مکاتبه ادامه دادند. در اول اسفندماه ۱۳۵۶ [۲۰ فوریه ۱۹۷۸] ۳ - ام میدل ایست پیشنهاد کرد که به تدریج که کارهای تکمیلی و ترمیمی نهایی خاتمه می‌پذیرد، آفا هر "قسمت" یا جایگاه را در استادיום بازبینی و تأییدیه کار صادر نماید. در این اثناء، یعنی در فوریه و مارس ۱۹۷۸، نوبل ۱۲۰ قسمت از جایگاه را که در اثر آتش سوزی صدمه دیده بود، تمیز و لکه گیری کرد و برای ترمیم صدمات مورد شکایت آرمه، تعدادی شکاف را بریده، لکه گیری و عایق کاری مجدد نمود.

۵۱ - بااینحال، در ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [۱۳ مه ۱۹۷۸]، آفا ضمن اعلام عدم رضایت خود از اقدامات ۳ - ام میدل ایست جهت رفع نواقص مورد شکایت، به آرمه دستور داد کل مبلغ دو ضمانت نامه بانکی را که ۳ - ام میدل ایست در شروع قرارداد افتتاح کرده بود، ضبط نماید. بانک تهران در هشتم خردادماه ۱۳۵۷ [۲۹ مه ۱۹۷۸] مبلغ ۷۰۳،۹۴۹/۶۰ دلار و در ۱۷ خردادماه ۱۳۵۷ [هفتم ژوئن ۱۹۷۸] مبلغ ۱۹،۷۵۸ دلار بابت ضمانت نامه های بانکی، به حساب ۳ - ام میدل ایست به آرمه پرداخت کرد. طرفین قبول دارند که مبلغ ضبط شده هیچگاه به ۳ - ام میدل ایست مسترد نشد.

۵۲ - در تاریخ ۱۳ مردادماه ۱۳۵۷ [چهارم اوت ۱۹۷۸] ۳ - ام میدل ایست رسماً به آرمه اطلاع داد که کار تکمیل شده و در خواست کرد که:

[طبق ماده ۸ قرارداد] تأیید کار را به ما اطلاع دهید و یا فهرست ایراداتی را که ممکن است از لحاظ تأیید کار داشته باشید، مشخصاً با ذکر مواردی که به نظر شما ۳ - ام طبق توافقی حاصله در قرارداد فوق بدان عمل نکرده، ارائه نمایید.

شما همچنین ملزم هستید وجه دو فقره ضمانت نامه بانکی را که ۳ - ام به نفع شما صادر کرده و ضمناً علی رغم درخواستهای متعدد قبلی ما مبنی بر آزاد کردن ضمانت نامه مورخ سوم نوامبر ۱۹۷۶ [۱۲ آبان ماه ۱۳۵۵] صادره توسط بانک تهران به شماره ۲۴/۵۸۸ [ضمانت نامه مواد و مصالح]، بدون دلیل آنرا ضبط و نقد کرده‌اید، فوراً مسترد نمایید.

معهداً، آفا کار را قبول نکرد و طرفین برای حل بقیه مسایل در رابطه با اختلافات مربوط به نواقص عایق کاری، چندین بار با یکدیگر ملاقات کردند و آخرین ملاقات آنها در نوامبر ۱۹۷۸ در آتن صورت گرفت. مذاکرات بعدی که قرار بود در دسامبر ۱۹۷۸ در تهران صورت گیرد، به سبب رویدادهای انقلاب در ایران، عملی نشد.

۵۳ - در پائیز سال ۱۳۵۸، ۳ - ام میدل ایست ترتیبی فراهم کرد که آقای امیر جالینوس، مدیر عامل شرکت شبرنگ ("شبرنگ")، که نماینده پخش محصولات ۳ - ام در ایران بود، بقیه کار قرارداد را کلاً و به نحوی که مورد رضایت آفا باشد، تکمیل نماید. شبرنگ کار تعمیر را در اواخر سال ۱۹۷۹ آغاز کرد و در هفتم آبانماه ۱۳۵۸ [۲۹ اکتبر ۱۹۷۹] آقای جالینوس ضمن تلکسی به ۳ - ام میدل ایست اعلام کرد:

اطمینان دارم از شنیدن این خبر مسرور خواهید شد که تا این تاریخ ما امضای کلیه طرف های ذیربط را از لحاظ تکمیل و قابل قبول بودن ۲۵ قسمت از ۳۶ قسمت جایگاه تحصیل نموده‌ایم و مابقی کار ظرف کمتر از یک هفته به پایان خواهد رسید. اکنون [۳ - ام میدل ایست] می‌تواند ادعا کند که کار به نحوی که مورد رضایت کامل موسسه مهندسی مشاور، پیمانکاران و وزارتخانه مربوطه باشد، انجام گرفته است. در مورد پرداخت صورتحساب و ضمانت نامه بانکی، ما با جدیت در حال اقدام هستیم.

ظاهرا" اندکی پس از این، نمایندگان "پیمانکار" (۳ - ام میدل ایست)، "مهندسين مشاور" (آفا) و وزارت مسکن کار برگ یا فهرستی تهیه کردند که نشان می داد "تعمیر عایق کاری کلیه ۳۶ جایگاه طبق مشخصات فنی انجام شده است." روی کاربرگ، امضای نماینده آفا در محل امضای مربوط به کلیه ۳۶ جایگاه، به چشم می خورد. امضای نماینده ۳ - ام میدل ایست در محل امضای مربوط به ۵ جایگاه (به شماره های ۱۰ تا ۱۴) و امضای نماینده وزارت مسکن در مورد یک جایگاه (به شماره ۲۱)، دیده نمی شود و دلیل فقدان امضاءها روشن نیست.

۵۴ - در ۲۴ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۵ دسامبر ۱۹۷۹] آفا نامه ای در خصوص تکمیل کار ترمیمی در استادیوم به وزارت مسکن نوشت و ضمن سایر مطالب اظهار داشت:

مبلغ ۱۹۳،۸۰۰ دلار بابت حق الزحمه نصب عایق طبق ماده ۳ ب - ۱۱ قرارداد شرکت ۳ - ام در صورت وضعیت منظور شده است که پیشنهاد می شود عیناً در وجه شرکت مذکور توسط کارفرما پرداخت شود. توجه داشته باشید که به علت نواقصی که سابقاً در عایق کاری جایگاهها وجود داشت و بدلیل تاخیر شرکت ۳ - ام در رفع این نواقص، این موسسه به شرکت آرمه دستور داد که ضمانت نامه شرکت ۳ - ام را به مبلغ ۵۰،۹۱۲،۸۲۹ ریال [که با اعمال نرخ تبدیل ۷۰/۳۵ ریال برای هر دلار، به ۷۲۳،۷۰۷/۶۰ دلار بالغ می شود] بابت کارهای عایق کاری ضبط نماید. این مبلغ در اختیار شرکت آرمه بوده و با وجود درخواست های مکرر این موسسه از کارفرما برای تعیین تکلیف مبلغ فوق دستوری صادر نشده است.

اکنون که شرکت فوق نواقص عایق کاری را برطرف نموده این مبلغ باید از طرف شرکت آرمه به شرکت ۳ - ام پس داده شود. به منظور اطمینان از باز پرداخت این مبلغ پیشنهاد می شود که شرکت آرمه تعهد دیگری برای این پرداخت بعمل آورد یا آنکه به همین میزان از ضمانتنامه های شرکت آرمه نگه داشته شود تا پس از پرداخت مبلغ مزبور، ضمانت نامه ضبط شده آزاد گردد.

۵۵ - در هفتم اسفندماه ۱۳۵۸ [۲۶ فوریه ۱۹۸۰] آقای جالینوس، مدیرعامل شبرنگ

ضمن ارسال نامه آفا به شرح فوق، برای ۳ - ام میدل ایست، چنین نوشت: "لطفاً این نامه را به عنوان اطلاعیه مهندسین مشاور [آفا] مبنی بر اینکه پروژه طبق مفاد قرارداد پذیرفته شده است، تلقی فرمایید."

۵۶ - در ۱۶ فروردین ماه ۱۳۵۹ [پنج آوریل ۱۹۸۰] نمایندگان آرمه، آفا و ۳ - ام میدل ایست در دفتر آفا در تهران با یکدیگر ملاقات کردند. در صورت مجلسی که توسط سه شرکت مزبور امضاء شده، متن زیر آمده است:

در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۱۶ [۵ آوریل ۱۹۸۰] جلسه‌ای با حضور امضاء کنندگان زیر، در مورد بررسی وضع پرداخت دیون شرکت آرمه به ۳ - ام میدل ایست در دفتر مهندسین مشاور عبدالعزیز فرمانفرمایان و همکاران تشکیل و موافقت شد که چنانچه شرکت آرمه از محل صورت کار کرد قطعی خود در استادیوم یکصد هزار نفری آزادی بعد از تسویه مطالبات کارفرما، طلبی داشته باشد، تا میزان مطالبات شرکت ۳ - ام مستقیماً از طرف کارفرما در وجه شرکت ۳ - ام و بحساب شرکت آرمه پرداخت گردد. این پرداخت ها مورد قبول شرکت آرمه می‌باشد.

در ۲۰ فروردین ماه ۱۳۵۹ [نهم آوریل ۱۹۸۰] آفا صورت مجلس یاد شده را به وزارت مسکن تسلیم و تقاضا کرد که وزارتخانه مبالغ قابل پرداخت به آرمه را مستقیماً به ۳ - ام میدل ایست بپردازد. در نامه منضم به صورتجلسه، آفا همچنین یکبار دیگر در رابطه با ضمانت نامه های بانکی تقاضا کرد: "دستور فرمایید در موقع پرداخت صورت وضعیت و تسویه حساب با شرکت آرمه، مبلغ فوق (۵۰،۹۱۲،۸۲۹ ریال) کسر و در وجه شرکت [۳ - ام میدل ایست] پرداخت گردد." بحثی در این مورد نیست که آرمه و وزارت مسکن هیچکدام مبالغ یاد شده بابت کار انجام شده در استادیوم، و یا بابت وجه ضمانت نامه‌های ضبط شده در سال ۱۹۷۸ را به ۳ - ام میدل ایست نپرداخته‌اند.

۲ - موضع خواهان

۵۷ - خواهان اظهار می‌دارد که آرمه مسئول پرداخت کلیه مبالغی است که بابت خدمات ارائه شده طبق قرارداد و موافقت نامه‌های جنبی، پرداخت نشده باقی مانده است. خواهان استدلال می‌کند که کار تکمیل و کلیه نواقص نهایتاً برطرف شده و مهندس مشاور، یعنی آفا به طور کامل پروژه را طبق شرایط قرارداد تأیید کرده و پذیرفته است. در نتیجه، طبق اظهار خواهان، آرمه همچنین مسئول پرداخت مبالغ ضبط شده دو ضمانت نامه بانکی به خواهان است و لذا به همین دلیل، ادعاهای متقابل نیز باید مردود شناخته شوند.

۵۸ - خواهان تأکید می‌کند که در قرارداد تصریح شده است که تأیید آفا دایر بر تکمیل کار، «علی‌رغم هر اظهار نظر مخالفی توسط خریدار [آرمه]، نسبت به آرمه الزام آور است.» خواهان استدلال می‌کند که تصویب کار ترمیمی توسط آفا و توصیه وی به آرمه و وزارت مسکن جهت پرداخت کل مبالغ متعلقه، اکنون آرمه یا وزارت مسکن را از طرح این ادعا ممنوع می‌سازد که نواقصی موجود بوده که از حقوق ۳ - ام میدل ایست در قرارداد می‌کاهد. وزارت مسکن تأیید کرده است که «نظر آفا برای طرفین قرارداد، قطعی و لازم‌الرعایه [بوده] است.» خواهان اظهار می‌دارد که نه اعتبار قرارداد و نه صحت تقاضای آفا مبنی بر پرداخت کلیه مبالغ متعلقه طبق قرارداد، هیچیک مورد ایراد نیست. از اینرو، به گفته وی، هیچگونه عذری برای ضبط یا عدم پرداخت مبالغ متعلقه وجود ندارد.

۵۹ - طبق اظهار خواهان، جمعا مبلغ ۴۱۲،۵۸۲/۲۷ دلار بابت کلیه صورتحسابهایی که تسلیم گردیده، پرداخت نشده باقی مانده است. مبلغ مورد ادعاء شامل کل ارزش صورتحسابهای قیمت خدمات موضوع قرارداد یعنی، مبلغ ۱۹۳،۸۰۲ دلار است،

بعلاوه حق الزحمه نظارت بر آماده سازی مخصوص سطح، به مبلغ ۳۸،۲۰۰ دلار، کل هزینه آماده‌باش به مبلغ ۳،۸۷۶،۵۵۶ ریال، که پس از تبدیل، به ۵۵،۳۷۹/۳۶ دلار بالغ می‌شود، و بالاخره مبلغ ۱۲۵،۲۰۰/۹۱ دلار بر مبنای یازده فقره صورتحساب نوبل. کل مبلغ اولیه صورتحسابهای نوبل ۲۱،۴۵۵،۶۳۱ ریال بود. همانطور که قبلاً گفته شد (رجوع شود به: پاراگراف ۲۲، پانویس ۱، بالا) خواهان تصدیق کرده است که دو فقره از این صورتحسابها اصلاح و کل رقم آنها به ۲۱،۱۴۳،۵۲۵ ریال کاهش یافته است. خواهان در لوائح نهائی خود تصدیق کرده است که آرمه مبلغ ۱۲،۳۷۹،۴۶۱ ریال از این رقم را پرداخت کرده است. (۲) در نتیجه، خواهان اظهار می‌دارد که بقیه مبلغ پرداخت نشده ۸،۷۶۴،۰۶۴ ریال است که پس از تبدیل به دلار، به ۱۲۵،۲۰۰/۹۱ دلار بالغ می‌شود.

۶۰ - در رابطه با ضمانت نامه های بانکی، خواهان به نامه‌های خود و آفا اشاره می‌کند که در آنها، استرداد مبالغ ضبط شده درخواست گردیده و استدلال می‌کند که پس از تکمیل کار و تصویب آن توسط آفا، هیچگونه توجیه قانونی برای نگهداشتن این مبالغ توسط آرمه، وجود ندارد. خواهان به ویژه متذکر می‌گردد که قسمت اعظم مبلغ ضبط شده، به ضمانت نامه مصالح مربوط می‌شده که مبلغ آن ۶۵۲،۹۱۴/۶۰ دلار بوده و به عنوان وثیقه اعتبارنامه‌ای که آرمه جهت خرید آن مصالح افتتاح کرد، ارائه شده بود. خواهان استدلال می‌کند که چون کلیه مواد و مصالح ارسال و

(۲) دیوان داوری ملاحظه می‌کند که خواهان در لوائح اولیه خود تصدیق کرده است که مبلغ ۲،۷۳۱،۸۵۲ ریال بابت یکی از این یازده صورتحساب (صورتحساب شماره ۹) پرداخت شده است. خواهان بعداً "توضیح داد که تا‌عید پرداخت صورتحساب مزبور، ناشی از اشتباه محاسبه بوده و لذا صورتحساب یاد شده کماکان مورد اختلاف است.

قیمت آن کاملاً توسط آرمه پرداخت شده و مصالح نیز نصب گردیده، لذا ضمانت نامه مصالح، پس از آنکه منظور آن برآورده شده، باید آزاد می‌شود، و به هر صورت، هیچ توجیهی برای مطالبه و نقد کردن آن وجود نداشته است. در رابطه با اجرای کار توسط خواهان، نامبرده قبول دارد که در مورد اسکاچ کلد مورد استفاده در کار، تضمین شده بود که عایق تحت کلیه شرایط استفاده معقول، طبق مشخصات فنی مدت سه سال کار کند (ماده ۱۱) و مضافاً اینکه، ضمانت نامه حسن انجام کار، برای تضمین تعهد وی بابت تعمیر یا تعویض هرگونه عیب و نقص در مصالح در طول آن دوره، در اختیار [آرمه] بوده است. لکن، خواهان اظهار می‌دارد که پس از تأیید تعمیرات کلیه نواقصی که قبلاً اعلام شده بود و پیش از انقضای دوره تضمین که حداکثر تا دسامبر ۱۹۸۲ بود، هیچگونه اطلاعیه‌ای مبنی بر وجود چنین نواقصی دریافت نکرده است. لذا، وی استدلال می‌کند که ادامه ضبط مبلغ ضمانت نامه حسن انجام کار توسط آرمه نیز غیرقابل توجیه است.

۶۱ - در مورد ادعای متقابل آرمه بابت هزینه‌های ادعایی ترمیم نواقص، خواهان استدلال می‌کند که کلیه نواقصی که قبل از دسامبر ۱۹۷۹ ظاهر شده، طبق رضایت آفا تعمیر شده است. خواهان متذکر می‌شود که آرمه کراراً به دیوان اظهار داشته است که نواقص مورد شکایت وی، نواقصی نیست که پس از تأیید آفا ظاهر شده باشد، بلکه نواقصی است که از هنگام نصب عایق هویدا بوده است. نامبرده اظهار می‌دارد که اثبات نشده است که بعداً نواقصی رخ داده باشد. خواهان همچنین استدلال می‌کند که چنانچه نواقصی پیش از دسامبر ۱۹۸۲ ولی بعد از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ظاهر شده باشد، ادعای متقابل به هر حال به دلیل استثنای صلاحیت مقرر در بیانیه حل و فصل دعاوی، مشمول مرور زمان می‌شود. به نظر خواهان، کلیه نواقص ترمیم شده و آفا اصلاح نواقص را بصورتی که انجام شده، تأیید کرده است. به هر صورت، نامبرده اظهار می‌دارد که

بازبینی‌های وی ثابت کرده است که نواقص ادعایی، معلول نقص در آماده سازی مخصوص سطح بوده است و طبق بند ۲ ماده ۲ قرارداد، نظارت ۳ - ام میدل ایست برآماده سازی مخصوص سطح "متضمن ضمانت یا تضمینی توسط [۳ - ام میدل ایست] نیست". در نتیجه، نامبرده استدلال می کند که ادعای متقابل باید مردود شناخته شود.

۶۲ - خواهان ادعای خود را به نحو دیگری نیز مطرح نموده، اظهار می‌دارد که به موجب اصل دارا شدن غیرعادلانه، وزارت مسکن در حدی که ارزش کار انجام شده را بدون پرداخت قیمت آن به آرمه، تحصیل کرده، مستقلاً" مسئول کل مبلغ لازم التاعدیه به ۳ - ام میدل ایست طبق قرارداد، می باشد. خواهان همچنین استدلال می‌کند که وزارتخانه مذکور، مسئول ضمانت نامه‌های بانکی نیز هست، زیرا که از طریق عامل خود، یعنی آفا، آرمه را ترغیب نموده است که تعهد قراردادی خویش را نقض و ضمانت نامه‌ها را در سال ۱۹۷۸، بدون هیچ دلیلی ضبط کند.

۳ - موضع آرمه

۶۳ - آرمه به ادعاهای خواهان، چه در مورد مبالغی که بدوا" لازم التاعدیه بوده و چه به پرداختهایی که تابحال انجام شده، ایراد می‌گیرد. آرمه مدعی است که مبالغی بیش از آنچه طبق قرارداد متعهد بوده، پرداخت کرده و این اضافه پرداخت ها باید از مبالغ دیگری که لازم التادیه است و پرداخت نشده، کسر گردد. معهذاً، آرمه تصدیق می کند که وجه ضمانت نامه‌ها را برداشت کرده و قبول دارد که مبالغ برداشت شده باید اکنون از مبالغی که وی مدعی است خواهان به او بدهکار است، کسر شود. آرمه مضافاً" ادعا می‌کند که خواهان بدلائل متعدد دیگری، به وی بدهکار است، لکن فقط رقم یکی از ادعاهای متقابل را مشخص ساخته است. آرمه

اظهار می‌دارد که در مجموع، خواهانست که به آرمه بدهکار است.

۶۴ - نخستین استدلال آرمه در مورد مبالغ لازم التادیه، به قیمت قرارداد مربوط می‌شود. آرمه اظهار می‌دارد که قیمت قرارداد باید تقلیل داده شود، زیرا قیمت بر مبنای مساحت تقریبی $۴۰,۰۰۰/-$ مترمربع محاسبه شده، در حالیکه طبق اندازه گیریهای وی، کل مساحتی که عایق اسکاچ کلد روی آن نصب شده، در واقع $۳۱,۴۶۹$ مترمربع بوده است. آرمه استدلال می‌کند که بنابراین کل بدهی ناخالص وی بابت کار انجام شده، قبل از وضع کسور مربوط به پرداختها و نواقص، باید از نو محاسبه و این واقعیت در محاسبه منظور شود که سطح عایق کاری شده کمتر از میزانی بوده که در قرارداد برآورد شده است. طبق محاسبات آرمه، رقم اصلاح شده باید $۴۰/۴۱۲,۴۲۴$ دلار باشد و نه $۶۰/۴۸۰,۵۳۹$ دلاری که در قرارداد ذکر شده است.

۶۵ - گرچه آرمه این مطلب را به روشنی بیان نکرده، لکن ظاهراً نامبرده مدعی است که استدلال بالا، در مورد صورتحساب آماده سازی مخصوص سطح به مبلغ $۳۸,۲۰۰/-$ دلار نیز صادق است و لذا مبلغ مزبور نیز باید به همان نسبت که در مورد قیمت قرارداد عمل شد، تقلیل یابد. این ایراد نیز گرفته شده که صورتحساب مزبور تسلیم نشده و "معلوم نیست که هزینه یاد شده برای چه منظوری بوده است".

۶۶ - آرمه مضافاً اظهار می‌دارد که کار هیچگاه تکمیل نشد. ظاهراً، این بدانمعنی است که آرمه به پرداخت آخرین قسط ۲۰ درصد قرارداد، که به مجرد تصویب نهایی کار، قابل پرداخت بوده، اعتراض دارد، گرچه خود آرمه مطلب را به این صورت عنوان نمی‌کند. آرمه اظهار می‌دارد که طبق ماده ۸ قرارداد، قبول نهایی کار "فقط پس از معاینه کار توسط مهندسین و صدور گواهی از آن بابت" می‌توانست

صورت گیرد. آرمه گواهی صادره توسط آفا را که در آن قید شده است که کار انجام شده و حق الزحمه باید پرداخت شود، رد کرده، می‌گوید که گواهی مزبور "صرفاً" گزارش کار است و ربطی به پذیرش و تحویل موقت کار ندارد، چه برسد به تحویل نهایی پروژه. آرمه همچنین استدلال می‌کند که حتی اگر تأییدیه آفا گواهی نهایی کار تلقی شود، باز هم چنین گواهی "جنبه مشورتی دارد و شخصی که می‌بایست کار را تأیید کند و تحویل گیرد، کارفرما [وزارت مسکن] است."

۶۷ - در مورد صورتحسابهای نویل، آرمه مدعی است که سه فقره (۳) از نه فقره صورتحساب باقی مانده (۴) که به نظر خواهان، فقط بخشی از آن پرداخت شده، پس از اعتراضات آرمه یا آفا توسط ۳-ام میدل ایست "اصلاح" گردید و لذا مبالغ پرداخت نشده، کمتر از آنست که خواهان مدعی است. به نظر آرمه، پنج فقره (۵) صورتحساب بعد از اصلاح، کاملاً پرداخت شده است (که سه فقره (۶) از آنها را باید با وجوهی که به حساب ۳-ام میدل ایست به نویل پرداخت شده، تادیه شده تلقی کرد). (رجوع شود به پاراگراف ۶۹ زیر). معذک آرمه تصدیق می‌کند که بابت چهار فقره صورتحساب (۷)، مبلغ ۲،۶۶۶،۱۴۱ ریال (یا ۳۸،۰۸۷/۷۳ دلار) هنوز پرداخت نشده است.

(۳) صورتحسابهای شماره ۹، ۱۶ و ۲۱.

(۴) خواهان قبلاً اصلاح صورتحسابهای شماره ۴/۱۲۶ و ۲ را پذیرفته و طرفین قبول دارند که این صورتحسابها به طور کامل پرداخت شده است.

(۵) صورتحسابهای شماره ۹، ۲۱، ۲۷، ۳۵ و ۴۲.

(۶) صورتحسابهای شماره ۲۷، ۳۵ و ۴۲.

(۷) صورتحسابهای شماره ۱۳، ۱۴، ۱۶ و ۲۴. پرداخت رقم دیگری به میزان ۸۰۰،۰۰۰/- ریال بابت صورتحساب شماره ۲۴ که مورد تصدیق خواهان است، در محاسبه منظور شده است.

۶۸ - آرمه مضافاً اظهار می دارد که قبلاً وجوهی اضافه بر مبالغی که بعنوان بدهی خود به خواهان می پذیرد، پرداخت کرده است. نامبرده به مستخرجات اسنادی که ظاهراً" اوراق دفتر کل شرکتی است به نام "شرکت آرمه تساه" که هویت آن از سایر جهات مشخص نشده، و نیز به مستخرجات دفاتر حساب آن که بعضی از آنها عنوان "صورتحساب هزینه های ۳-ام" را دارد، استناد می کند. آرمه می گوید که "جمعاً" مبلغ ۷۲،۷۷۰،۳۸۵ ریال، یعنی معادل ۱،۰۳۹،۵۷۶/۹۳ دلار طبق اعتبارات اسنادی مفتوح جهت وارد کردن مواد و مصالح ارسالی ۳ - ام پرداخت کرده و "اختلاف مبالغ، ناشی از پاره ای هزینه های مربوط به پست، بیمه و سایر هزینه هایی است که نادیده گرفته شده است." (۸)

۶۹ - آرمه همچنین مدعی است که مبلغ ۲۶،۷۸۶،۰۲۴ ریال (که با استفاده از نرخ تبدیل ۶۹/۸۶ ریال برای هر دلار، به ۳۸۳،۳۹۵/۴۰ دلار بالغ می شود) بابت خدمات، به نوبل (و طرفهای مختلف دیگر) پرداخت کرده است. نامبرده استدلال می کند که باید چنین تلقی کرد که پرداختهای مزبور طبق قرارداد و موافقت نامه های جنبی، به حساب ۳ - ام میدل ایست پرداخت شده اند.

۷۰ - آرمه همچنین مدعی است که در کار خواهان نواقصی وجود داشته است. حسب ادعاء اسکاچ کلد به نحو صحیحی نصب نشده و این امر "منجر بدان شده که درزها و شکافهای بزرگ متعددی در تقریباً" تمامی سطح عایق کاری شده، ظاهر شود و عایق کاری بنحوی بوده که آخرالامر منجر به مقدار زیادی دوباره کاری شده است. آرمه استدلال می کند که ایراداتی که مهندسین مشاور [آفا] مرتباً به کار گرفته اند،

(۸) کل قیمت سیاهه شده مربوط به مواد و مصالح ارسالی توسط ۳ - ام میدل ایست ۶۳۷،۲۷۷/۹۳ دلار است.

موعید این واقعیت است. آرمه این استدلال خواهان را که شکاف ها و ترک خوردگیها در اثر نواقص بتن کاریهای زیرین بوده، رد کرده، آنرا "واهی و غیرمنصفانه" می خواند و استدلال می کند که خواهان مسئول انجام کارهای تعمیراتی لازم در مورد زیرکار و آماده کردن سطح بوده و مسئول نواقص منتجه است. آرمه در تاعیید ادعای نواقص کار، تعدادی عکس ارائه کرده که حسب ادعا در سپتامبر ۱۹۸۲ از استادیوم گرفته شده و به گفته وی، نشت آب از عایق اسکاچ کلد را نشان می دهد. طبق اظهار آرمه، "در صورتی که سریعاً پیش گیری های لازم بعمل نیاید، خطرات بیشمار و خسارات غیرقابل جبرانی به بار خواهد آمد". آرمه می گوید که "برای جبران خسارات وارده و ترمیم نواقص کار شرکت ۳ - ام میدل ایست، مجبور است مبلغ یک میلیون و پانصد هزار دلار امریکا خرج کند". آرمه در تاعیید ادعای خسارت خود، به "برآوردی که خود انجام داده" استناد نموده و "تورم روزافزون جهانی از سال ۱۹۷۶ تا سال جاری [۱۹۸۲ را]" در برآورد منظور کرده و می گوید که این کار باید "هرچه زودتر انجام شود". سوابق نشان نمی دهد که آیا آرمه تعمیرات ادعایی لازم را واقعاً انجام داده است یا خیر و یا هزینه نهایی این تعمیرات چقدر بوده است.

۷۱ - علاوه براین، آرمه مدعی است که ۳ - ام میدل ایست تضمینی را که طبق قرارداد سپرده، نقض کرده و لذا بابت خسارات وارده مسئول است. نامبرده می گوید که آفا مرتباً به کیفیت مواد و مصالح مصرف شده و مناسب بودن آنها جهت استفاده در استادیوم ایراد گرفته و استدلال می کند که "ادعای خواهان در مورد مرغوبیت مصالح مطلقاً کذب و واهی است، و یا حداقل در مورد آن قسمت از مصالحی که در استادیوم تهران به کار رفته، صحت ندارد. مصالح مصرف شده قابل اشتعال بوده، فاقد قابلیت ارتجاعی لازم است و ترک می خورد". آرمه در تاعیید این ادعای خود که ماده اسکاچ کلد "به آسانی قابل اشتعال است"، اظهار نظر مورخ هفتم آبان ماه

۱۳۶۵ [۲۹ اکتبر ۱۹۸۶] یک کارشناس وزارت دادگستری ایران به نام دکتر اعتماد مقدم را تسلیم کرده است. کارشناس مزبور نظر داده است که "روکش مذکور [اسکاچ کلد] قابل اشتعال است و به نظر من، نمی‌توان آن را ماده مناسبی برای عایق کاری جایگاههای یک استادیوم بزرگ ورزشی دانست".

۷۲ - بالاخره، آرمه اظهار می‌دارد که تخلفات ۳ - ام میدل ایست از قرارداد به شهرت و حیثیت حرفه‌ای آرمه لطمه زده است. لکن در مورد این اظهارات، توضیح بیشتری داده نشده و میزان آن نیز مشخص نشده است.

۷۳ - آرمه، براساس خلاصه‌ای (که از کلیه جهات با سایر لوایح وی منطبق نیست) استدلال می‌کند که رقم کل ادعای متقابلش ۱،۳۵۲،۴۰۶/۸۰ دلار است.

۴ - تصمیم دیوان

۷۴ - از نظر دیوان داوری محرز است که قرارداد به طور قانونی بین طرفین منعقد شده و مضافاً اینکه آرمه پاره‌ای خدمات و مصالح اضافی را از ۳ - ام میدل ایست درخواست نموده و شرکت اخیر الذکر نیز بر اساس پروفرمای مورخ ۲۰ مردادماه ۱۳۵۵ [۱۱ اوت ۱۹۷۶] و موافقت نامه‌های جنبی، این خدمات و مصالح را ارائه کرده است.

۷۵ - در مورد شرایط قرارداد، دیوان داوری این ادعای آرمه را که مبالغ مصرح در قرارداد بابت مصالح و عایق کاری باید به نسبت مساحتی که حسب ادعا واقعاً با ماده اسکاچ کلد عایق کاری شده، تقلیل یابد، بی‌اساس می‌داند. آرمه ادعا نمی‌کند که خواهان قرارداد را نقض کرده و روکش اسکاچ کلد را در مساحتی کمتر از آنچه

که در قرارداد پیش بینی شده، نصب نموده است. بالعکس، آرمه ادعا می‌کند که قیمت قرارداد با متراژ واقعی اسکاچ کلد استفاده شده مرتبط بوده و بسته به آن، تغییر می‌کند. گرچه دیوان با خواننده موافق است که قرارداد کلا" خالی از ابهام نیست، با اینحال منطقی ترین تفسیر قرارداد اینست که قیمت قرارداد مقطوع بوده است. به هر تقدیر، آرمه دلیل و مدرکی راجع به متراژ واقعی ادعایی ارائه نکرده و هرگونه جرح و تعدیلی را، ولو اینکه از سایر جهات موجه بوده، موضوعاً غیرقابل تأیید ساخته است. ازاینرو، کاهش قیمت قرارداد و یا مبلغ ۳۸،۲۰۰ دلار صورتحساب نظارت بر آماده سازی مخصوص سطح، صحیح نیست.

۷۶ - دفاع اصلی آرمه که در عین حال، مبنای ادعای متقابل وی نیز هست، به معیوب بودن ادعایی کار ۳ - ام میدل ایست مربوط می شود. خواهان در پاسخ استدلال می کند که کار وی پس از ترمیم کلیه نواقص مورد شکایت، رسماً مطابق قرارداد پذیرفته شده است. دیوان داوری بر این نظر است که نامه صادره توسط آفا در تاریخ ۲۴ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۵ دسامبر ۱۹۷۹] آن گونه "تأییدیه‌ای" که در قرارداد پیش بینی شده، نیست. معهذاً، نامه مذکور به عنوان اظهارنظر آفا، راجع به این مطلب که آیا کار مقرر طبق قرارداد، نهایتاً طبق رضایت آفا انجام شده است یا خیر، قاطع و تعیین کننده است. از اینرو، نظر دیوان اینست که کل قیمت خدمات، به ترتیب مصرح در قرارداد، قابل پرداخت می‌باشد. علاوه براین، اظهارنظر آفا در همان نامه مبنی بر اینکه ۳ - ام میدل ایست" نواقص را برطرف نموده"، ادعاهای آرمه را در مورد نامرغوب بودن مصالح یا معیوب بودن کار نفی می‌کند، زیرا آفا از آرمه خواسته است که کلیه مبالغ بدهی را پرداخته و وجه ضمانت نامه ها را بدون هیچگونه شرط یا کاهشی و بدون ادعای وجود نقص و عیب ترمیم نشده‌ای، مسترد نماید.

۷۷ - دیوان داوری مضافاً هیچگونه دلیل و مدرکی در تائید این ادعای آرمه نمی‌یابد که وی مبالغی علاوه بر آنچه که خواهان پذیرفته، پرداخت کرده باشد. تا آنجا که پرداختهای اضافی بابت مصالح، به هزینه‌های اضافی خود آرمه برای بیمه یا هزینه حمل مربوط می‌شده، این هزینه‌ها قابل انتساب به ۳ - ام میدل ایست نیست. در مورد پرداختهای ادعایی تائید نشده بابت خدمات، دیوان داوری ملاحظه می‌کند که پنج فقره از پرداختهای مستند، کلاً" به مبلغ -/۱۱،۵۷۹،۴۶۱ ریال (یا ۱۶۵،۴۲۰/۸۷ دلار)، پرداخت‌هایی است که حسب اذعان، توسط نوبل دریافت شده و لذا مورد مطالبه خواهان نیست. پرداختهای ادعایی دیگر، کلاً" به -/۱۵،۲۰۶،۵۶۳ ریال (۲۱۷،۲۳۶/۶۱ دلار) بالغ می‌شوند و حسب اظهار، در وجه نوبل یا اشخاص ثالث دیگر و به حساب ۳ - ام صورت گرفته‌اند. بسیاری از این پرداختها در وجه آقای فرشچیان، آقای ظریف یا آقای نصری صورت گرفته و بابت "مخارج کارگاه"، "هزینه تعمیرات"، "حقوق کارگران استادیوم آریامهر"، "حقوق کارگران اخراجی استادیوم" و "قیمت وسایل و مخارج استادیوم"، بوده است. نظر دیوان اینست که پرداختهای مزبور که "به حساب شرکت ۳-ام" صورت گرفته، اکثراً" مربوط به پرداخت حقوق به کارکنان آرمه است که ظاهراً" در استادیوم کار می‌کرده‌اند. دلیلی برای این تصور وجود ندارد که هزینه‌های مزبور قابل انتساب به ۳ - ام میدل ایست است و یا به کار دیگری غیر از کار خود آرمه در آماده کردن محوطه مربوط است. لذا، دیوان نمی‌تواند نتیجه بگیرد که پرداختهای مزبور بابت مبالغی است که در پرونده حاضر مورد ادعاست و یا اینکه باید با دیون آرمه به ۳ - ام میدل ایست، تهاتر شوند.

۷۸ - دیوان داوری متقاعد شده است که کلیه صورتحسابهای صادره، بابت کار انجام شده و هزینه‌های آماده‌باشی است که [خواهان] بدرستی متحمل شده، و دیوان دلیل و مدرکی نمی‌یابد که وجود یا صحت آنها را مورد تردید قرار دهد و یا قبول هرگونه

"تعدیلات" ادعایی بابت تقلیل مبلغ بدهی را بیش از آنچه که مورد تأیید خواهانست، توجیه نماید.

۷۹ - در مورد ادعاهای متقابل، ادعای آرمه بابت ۱/۵ میلیون دلار هزینه ترمیم نواقص، صرفاً برآوردی است که سند و مدرکی در تأیید آن ارائه نشده است. به نظر نمی‌رسد که در واقع تعمیراتی انجام شده باشد، و به هر صورت، خسارات ادعایی اثبات نشده‌اند. به ویژه، باتوجه به تصویب کلیه کارها و تعمیرات در اواخر سال ۱۹۷۹ توسط مهندس پروژه، یعنی آفای دیوان داوری لاجرم نتیجه می‌گیرد که آرمه هیچگونه مدرکی در اثبات این ادعا، ارائه نکرده است.

۸۰ - در مورد ضمانت نامه‌های بانکی ضبط شده، آرمه دلیلی برای مطالبه ضمانت نامه مصالح، پس از آنکه طرفین قسمت مصالح قرارداد را اجراء و بهای آن را کاملاً پرداخت کرده‌اند، ارائه ننموده است. در نتیجه، دیوان داوری براین نظر است که ضبط ضمانت نامه توسط آرمه، من غیر حق بوده است. در مورد ضمانت نامه حسن انجام کار، گوا اینکه ضبط آن در رابطه با نواقص ادعایی، و لذا فی‌نفسه، من غیر حق نبوده، لکن روشن است که پس از رفع نواقص و تأیید پروژه توسط آفای ضمانت نامه می‌بایست مسترد می‌شد. آرمه تصدیق کرده است که اکنون باید وجه ضمانت نامه‌ها را به بستانکار حساب خواهان منظور کند، لکن پیشنهاد می‌نماید که وجه ضمانت نامه‌ها از مبالغی که مدعی است خواهان به وی بدهکار است، کسر شود. دیوان که ادعاهای آرمه را بابت اضافه پرداخت‌ها و یا خسارات مردود شمرده، بر این نظر است که آرمه باید کل مبلغ ضمانت نامه‌ها را به خواهان مسترد کند.

۸۱ - براین اساس، کلاً مبلغ ۱،۱۳۶،۲۸۹/۸۷ دلار به نفع خواهان و علیه آرمه حکم داده می‌شود. این مبلغ شامل ۱۹۳،۸۰۲/- دلار بابت قیمت قراردادی خدمات،

-/۳۸،۲۰۰ دلار بابت صورتحساب مربوط به آماده سازی مخصوص سطح،
۵۵،۳۷۹/۳۶ دلار بابت صورتحسابهای هزینه آماده‌باش، ۱۲۵،۲۰۰/۹۱ دلار بابت
بقیه صورتحسابهای نوبل و ۷۲۳،۷۰۷/۶۰ دلار بابت ضمانت نامه‌های ضبط شده
است.

۸۲ - با توجه به این تصمیم، دیوان لزومی به بررسی ادعای تخییری خواهان علیه وزارت
مسکن نمی‌بیند. ادعای متقابل وزارت مسکن به نحوی که بدواً اقامه شده، شبیه
ادعای آرمه است و لذا به دلایل فوق رد می‌شود. ادعای متقابل جدیدی که وزارت
مسکن ظاهراً در لایحه معارض نهایی خود مطرح کرده نیز، قبلاً" به دلیل تاخیر در
ثبت مردود شناخته شده است. (رجوع شود به: پاراگراف ۴ بالا).

ب - ادعای دیبا

۱ - شرح ماوقع

۸۳ - در سال ۱۹۷۵ ۳ - ام میدل ایست دستگاهی موسوم به سیستم دوربین بشقابی ام
آر-۴۱۲ به یک نمایشگاه بازرگانی در ایران بنام نمایشگاه بین‌المللی تهران ارسال
داشت. در سپتامبر ۱۹۷۶ آقای نبیل چلاج، که در آن زمان نماینده فروش ۳ -
ام میدل ایست بود، با آقای ف. دیبا، از شرکت دیبا (که قبلاً" در سال ۱۹۷۶ به
عنوان نماینده غیرانحصاری پخش سیستمهای دوربین بشقابی ۳ - ام در ایران منصوب
شده بود) جهت خرید دوربین بشقابی که قبلاً" به نمایشگاه ارسال شده بود، وارد
مذاکره شد. دوربین به دیبا فروخته و تحویل داده شد و در هشتم مهرماه ۱۳۵۵
[۳۰ سپتامبر ۱۹۷۶] ۳ - ام میدل ایست صورتحسابی به شماره ۸۹۸۵۴ و به مبلغ
۱۰،۲۳۵ دلار بابت فروش دستگاه برای دیبا صادر کرد. به دلایلی که توضیح داده

نشده، تا اواخر سال ۱۹۷۸، پرداختی بابت صورتحساب انجام نشد. در نوامبر ۱۹۷۸، دیبا به ۳ - ام میدل ایست اطلاع داد که به دلیل بسته بودن بانکها در ایران نمی تواند صورتحساب را پرداخت کند، لکن تقاضا کرد که دو برگ بستانکار به نام وی با مبلغ بدهی اش به خواهان بابت دوربین، تهاتر گردد. برگهای بستانکار فوق هر دو به تاریخ ۱۶ آذرماه ۱۳۵۷ [هفتم دسامبر ۱۹۷۸] است و کلا" به ۲،۱۶۷/۲۸ دلار بالغ می شوند. این مبلغ از کل رقمی که بدوا" بابت سیستم دوربین بشقابی لازم التادیه بود، کسر شد. بحثی در این مورد نیست که مبلغ دیگری پرداخت و یا رقم بستانکار دیگری به حساب منظور نشد و لذا مانده پرداخت نشده، ۸،۰۶۷/۷۲ دلار است.

۲ - موضع خواهان

۸۴ - خواهان استدلال می کند که چون این توافق وجود دارد که دوربین توسط دیبا دریافت شده، لذا وی بقیه مبلغ متعلقه را که ۸،۰۶۷/۷۲ دلار است، طبق صورتحساب طلبکار است.

۸۵ - در پاسخ به دفاعیات دیبا، که ذیلا" مورد بحث بیشتر واقع خواهد شد، خواهان با توجه به شرایط صورتحساب، قبول ندارد که مبلغ صورتحساب به ارز دیگری غیر از دلار امریکا قابل پرداخت است. نامبرده همچنین منکر آنست که فروش مواد شیمیایی، بخشی از معامله فروش سیستم دوربین بشقابی را تشکیل می داده است. بالاخره، خواهان اظهار می دارد که ادعاهای متقابل دیبا باید به دلیل آنکه کلا" فاقد دلیل و "واهی" است، مردود شناخته شود.

۳ - موضع دیبا

۸۶ - دیبا قبول دارد که دستگاه دوربین بشقابی را خریداری کرده و مضافاً اینکه دستگاه به وی تحویل داده شده است. معهداً نامبرده دو دفاع در قبال مسئولیت خود بابت پرداخت وجه بیشتر در مورد صورتحساب، اقامه و دو فقره ادعای متقابل نیز تسلیم کرده است.

۸۷ - اولاً، دیبا ادعا می کند که طبق عرف معمول در نمایشگاه بین المللی تهران، معامله به ریال حساب شده است. وی می گوید که "شرکت همیشه آماده بوده مطابق شرایط معامله، قیمت کالا را به ریال در تهران بپردازد" و مضافاً اینکه چون "معامله در ایران صورت گرفته ... لذا قیمت باید به ریال پرداخت شود." بدین ترتیب، دیبا استدلال می کند که ملزم نیست هیچگونه مبلغی به دلار بپردازد. معهداً، دیبا مضافاً اظهار می دارد که عدم پرداخت صورتحساب "به علت انقلاب بوده ... که یکی از مصادیق بارز فورس ماژور است" و لذا، "امکان پرداخت صورتحساب از شرکت سلب شده بود". به ویژه، دیبا استدلال می کند که مقرراتی که در زمان انقلاب اسلامی وضع شد، "خروج ارز از کشور را که قبلاً آزاد بود"، محدود ساخت.

۸۸ - ثانیاً، دیبا تعهد پرداخت به هر ارزی را در برابر ۳ - ام میدل ایست، انکار کرده، می گوید، پس از آنکه وی دوربین را خرید، آنرا طی قراردادی به شرکت ملی نفت ایران (شرکت نفت) فروخت و ملزم گردید که دستگاه را نصب و ظاهراً به مدت یکسال بعد از نصب، در کار بهره برداری از آن نظارت کند. برای بهره برداری از دستگاه، لازم است یک ماده شیمیائی به نام "XL Activator" - "XL Developer" مصرف شود. دیبا مدعی است که بدنبال فروش دستگاه به شرکت نفت "با فروشنده

[۳ - ام میدل ایست] مکاتبه و تقاضا کردیم که این مایع را برای ما بفرستد، ولی ترتیب اثری به تقاضای ما داده نشد" و به علت عدم ارسال مواد شیمیایی لازم توسط ۳ - ام میدل ایست جهت بهره‌برداری از سیستم دوربین، شرکت نفت آخرالامر از پرداخت قیمت کالا به دیبا امتناع کرده و در نتیجه، "به حیثیت تجاری خواننده لطمه وارد شده و خسارات مادی و معنوی به شرکت وارد گردید." دیبا مدعی است که میزان خسارات وارده، بیش از مانده پرداخت نشده صورتحساب است و لذا وی از پرداخت مبلغ بیشتری برای دوربین معاف می‌باشد.

۸۹ - دیبا ادعای متقابلی بابت خساراتی که حسب ادعا به علت عدم ارسال مواد شیمیایی لازم توسط ۳ - ام میدل ایست، متحمل شده، مطرح ساخته است. رقم ادعای متقابل -/۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال است که (با نرخ تبدیل ۷۰ ریال برای هر دلار) به ۲،۸۵۷،۱۴۵/۸۵ دلار بالغ می‌شود. دیبا همچنین، ادعای متقابلی بابت "مالیاتی که [۳ - ام میدل ایست] طبق قانون زمان فروش دستگاه دوربین بشقابی باید بپردازد" مطرح نموده، ولی میزان آنرا مشخص نکرده است.

۴ - تصمیم دیوان

۹۰ - طرفین قبول دارند که قراردادی جهت فروش یک دستگاه سیستم دوربین بشقابی به ارزش ۱۰،۲۳۵ دلار در سال ۱۹۷۶ منعقد و مضافاً اینکه دستگاه تحویل داده شد. طرفین همچنین قبول دارند که ارقام بستانکاری باید در محاسبه منظور شود که با احتساب آن، بقیه قیمت، ۸،۰۶۷/۷۲ دلار است. دیوان داوری بر این نظر است که مانده مزبور هنوز پرداخت نشده و دیبا باید آنرا به ۳ - ام میدل ایست بپردازد.

۹۱ - اولین دفاع دیبا اینست که معامله به ریال محاسبه شده و می‌بایست به ریال پرداخت

می‌شد. این ادعا با هیچ دلیل و مدرکی تأیید نشده و در واقع، با مفاد صورتحساب که به دلار محاسبه شده، تعارض دارد. در هر صورت، سوابق نشان نمی‌دهد که دیبا هیچگاه پیشنهاد کرده باشد که قیمت را به ریال به خواهان بپردازد. دیبا مضافاً اظهار می‌دارد که به دلیل کنترل های ارزی پس از انقلاب، وی نمی‌توانست قیمت را به دلار پرداخت کند. این اظهار در حکم استناد به فورس ماژور است، لکن این امر را روشن نمی‌کند که دیبا برای اقدام به پرداخت صورتحسابی که در سال ۱۹۷۶ صادر شده، چرا تا پس از انقلاب معطل کرده است. بعلاوه، دیبا سعی نکرده ثابت کند که شرایط فورس ماژور ادعایی، صرفاً اجرای تعهد را به تأخیر نینداخته، بلکه به طور دائم پرداخت وجه را غیرممکن و وی را از ایفای تعهد خود معذور ساخته است. بنابراین دفاعی بر مبنای نوع ارز معامله وجود ندارد.

۹۲ - دفاع اصلی دیبا و مبنای یکی از ادعاهای متقابل وی اینست که ۳ - ام میدل ایست، حسب ادعا بعضی مواد شیمیایی لازم را برای دیبا ارسال نکرده است. دیوان معتقد است که دلیل و مدرکی در تأیید این اظهار ارائه نشده است. قرینه و نشانه‌ای در پرونده نیست که نشان دهد فروش هرگونه ماده شیمیایی، جزئی از قرارداد فروش دوربین به دیبا بوده و دیبا هیچ دلیل و مدرکی در تأیید درخواستهای بعدی ادعایی‌اش مبنی بر ارسال چنین موادی، ارائه نکرده است. بنابراین، دفاع مزبور نیز مردود شناخته می‌شود و دیوان نتیجه می‌گیرد که دیبا مبلغ ۸,۰۶۷/۷۲ دلار بابت بقیه صورتحساب به خواهان بدهکار است.

۹۳ - از آنچه که گذشت، لزوماً این نتیجه حاصل می‌شود که ادعای متقابل خسارت بر مبنای قصور ادعایی در تحویل مواد شیمیایی، کلاً غیرمستند بوده، باید مردود شناخته شود. در مورد ادعای متقابل دوم بابت مالیاتهای ادعایی نیز مدرک و مطلبی در تأیید آن ارائه نشده و لذا، ادعای متقابل مزبور نیز باید مردود شمرده

شود.

ج - ادعای پلی اکریل

۱ - شرح ماوقع

۹۴ - خواننده این ادعا، پلی اکریل شرکت مختلطی بوده مرکب از یک شرکت امریکائی، بنام شی. آی. دوپن دو نمورز اند کامپنی ("دوپن") و بعضی موسسات ایرانی. دوپن قراردادی با پلی اکریل منعقد ساخته بود که به موجب آن، دوپن کالاهایی را برای پلی اکریل در ایالات متحده تهیه می‌کرد. بین ۲۳ مردادماه ۱۳۵۷ و پنجم خردادماه ۱۳۵۸ [۱۴ اوت ۱۹۷۸ و ۲۶ مه ۱۹۷۹] خواهان کالاهای مختلفی را از طریق دوپن به پلی اکریل فروخت و ۳۹ فقره صورتحساب جمعا" به مبلغ ۳۰،۱۰۰/۹۱ دلار بابت اقلام متفاوت صادر کرد. کلیه صورتحسابها حاوی عبارت "به حساب شرکت پلی اکریل ایران" می باشند و در کلیه آنها، غیر از دو فقره، نشانی پلی اکریل برای دریافت صورتحساب C/O EI Du Pont de Nemours ("توسط شی آی دوپن دو نمورز")، در ویلمینگتن، دلهور ذکر شده است. مضافا" اینکه در کلیه صورتحسابها، زیر عنوان "گیرنده محموله"، نام "شرکت پلی اکریل ایران" ذکر و نشانی‌هایی در نورث برگن، نیوجرسی و یا جامائیکا، نیویورک به چشم می‌خورد. طرفین قبول دارند که هیچگونه وجهی بابت صورتحسابهای مزبور دریافت نشده است.

۲ - موضع خواهان

۹۵ - خواهان ادعا می کند که دوپن کارگزار خرید پلی اکریل بوده و لذا سفارشات دریافتی از وی، قابل انتساب به پلی اکریل و پرداخت صورتحسابهای صادره به نام

وی، بعهده پلی اکریل است. خواهان اظهار می دارد که دوپن سفارشات خرید را با نامه، تلکس یا تلفن انجام می داد و بعد از اینکه سفارش خریدی دریافت می شد، پروفورما برای کارگزار حمل و نقل پلی اکریل، شنکرز اینترنشنال فور واردرز ("شنکرز") طبق دستورات چاپی پلی اکریل ارسال می گردید. پس از تأیید پروفورما، سفارش به انبار شنکرز در نورث برگن، نیوجرسی، برای پلی اکریل ارسال می شد و متعاقباً صورتحسابها تنظیم و در این موارد نیز طبق دستور پلی اکریل، جهت پرداخت برای دوپن ارسال می شد.

۹۶ - طبق اظهار خواهان، نه پلی اکریل، نه دوپن و نه شنکرز، هیچگاه به ترتیب حمل اعتراض نکرده و نگفتند که هیچیک از اسناد ناقص بوده است و هیچیک از آنها نیز هرگز شکایت نکرد که در ازاء سفارش خریدی که داده، محموله را دریافت نکرده است. در پاسخ به دفاع پلی اکریل مبنی بر اینکه پاره ای از اقلام ارسالی، در ایران دریافت نشده، خواهان استدلال می کند که چون شرایط حمل بر مبنای فوب بوده، و در دستورات پلی اکریل تصریح شده بود که پلی اکریل مسئول بیمه کالاها از ایالات متحده به ایران است، لذا خواهان با ارسال کالا برای نماینده حمل، به طور کامل آن را تحویل داده است. مدارکی که خواهان بدانها استناد می کند از جمله عبارتند از: سی و نه فقره صورتحساب و دستورات حمل صادره برای کارگزاران حمل، و در مورد هفت فقره صورتحساب کالا "به مبلغ ۳،۱۸۳/۱۰ دلار، اسناد حمل مربوط. خواهان اظهار می دارد که "چون این محمولات سال ها پیش حمل شده اند، بارنامه هوایی [یا دریایی] برای کلیه سفارشات واصله از پلی اکریل یا محموله های ارسالی برای آن، در بایگانی ۳-ام وجود ندارد." مضافاً خواهان استدلال می کند که "طبق رویه های تجاری استاندارد ۳-ام، تا کالاهای سفارشی برای حمل تحویل داده نشده و بارنامه [دریایی] یا هوایی به قسمت صادرات ۳-ام واصل نگردد، صورتحساب برای مطالبه وجه تنظیم نمی شود." خواهان استدلال می کند که چون با این ترتیب، وی

تعهدات خود را انجام داده، اینکه کالا در ایران به دست پلی اکریل رسیده یا نرسیده، تأثیری در حق خواهان به دریافت وجه آن ندارد. از آنجا که وجهی بابت صورتحساب‌ها پرداخت نشده، خواهان مبلغ ۳۰،۱۰۰/۹۱ دلار از پلی اکریل مطالبه می‌کند.

۳ - موضع پلی اکریل

۹۷ - پلی اکریل دفاعیاتی در مورد پرداخت صورتحسابها اقامه کرده است. اولاً وی استدلال می‌کند که "تعدادی از صورتحسابهای منضم به دادخواست هیچگاه توسط [پلی اکریل] دریافت نشده" و ضمناً "قسمت اعظم ارقام و محصولات ادعایی خواهان، نه تنها توسط [پلی اکریل] دریافت نشده، بلکه اصولاً وارد ایران نشده است".

۹۸ - علاوه براین، پلی اکریل استدلال می‌کند که گرچه "دوین کارگزار خرید پلی اکریل" بوده، لکن "صلاحیت ایجاد تعهد برای [پلی اکریل]" را نداشته و "خود دوین طرف قرارداد با فروشندگان امریکایی بوده است". پلی اکریل همچنین می‌گوید که "دوین فقط یک نماینده ساده بازرگانی پلی اکریل نبوده، بلکه مستقیماً براساس نیازهای پلی اکریل کالاها را خریداری و وجوه آنرا پرداخت می‌کرده است و از طرف دیگر، در قبال پلی اکریل متعهد بوده است. اصولاً پلی اکریل علیرغم اینکه نامش در صورتحسابها ذکر می‌شده، هیچگاه داد و ستد مستقیمی با فروشندگان کالاها نداشته است و تنها با دوین طرف تعهد بوده است". پلی اکریل همچنین استدلال می‌کند که خواهان همیشه قیمت کالاها را مستقیماً از دوین دریافت می‌کرده و لذا اکنون حق ندارد به طور مستقیم، به پلی اکریل مراجعه نماید. پلی اکریل می‌گوید "اساساً هدف از تعهدات سنگین پذیرفته شده در قرارداد [یعنی قرارداد کارگزاری بین پلی اکریل و دوین]، متعهد نمودن دوین در قبال فروشندگان بوده است، که نتیجه

آن براثت پلی اکریل از هرگونه تعهدی است". لذا، پلی اکریل استدلال می کند که هرگونه ادعایی بابت صورتحسابها بایستی مستقیماً علیه دوین مطرح شود و نه علیه پلی اکریل.

۴ - تصمیم دیوان

۹۹ - همانطور که پلی اکریل تصدیق کرده، از سوابق روشن است که دوین بعنوان کارگزار خرید کاملاً شناخته شده پلی اکریل، کالاهای مورد اشاره در صورتحساب های تسلیمی را سفارش داده است. دیوان داوری، بر مبنای صورتحسابها و توضیحات خواهان راجع به رویه تجاری عادی خود، به ترتیبی که از سفارشات خرید و سایر مدارک تسلیمی پیداست، متقاعد شده است که پلی اکریل کالاهای توصیف شده توسط خواهان را سفارش داده است. همچنین به نظر می رسد که صورتحسابهای حاوی مبالغ لازم التادیه به طور صحیح برای دوین صادر شده است. دیوان داوری نمی تواند این استدلال پلی اکریل را بپذیرد که دوین تنها طرف مسئول فروشهاست و نه پلی اکریل. حتی از توضیحات خود پلی اکریل در مورد رابطه اش با دوین روشن است که دوین به عنوان کارگزار پلی اکریل در ایالات متحده عمل می کرده و صلاحیت متعهد ساختن پلی اکریل را داشته است. گرچه قابل تصور است که در بعضی اوضاع و احوال دوین نیز می توانسته مسئول شناخته شود، با اینحال بحثی نیست که پلی اکریل، به عنوان اصیل کاملاً شناخته شده دوین، در درجه اول و مستقیماً مسئول است.

۱۰۰ - دیوان مضافاً معتقد است که ادله تسلیمی ثابت می نماید که خواهان با تحویل کالاهای موضوع هفت صورتحساب جمعا به مبلغ ۳،۱۸۳/۱۰ دلار طبق دستورات حمل پلی اکریل، مسئولیتهای خود را ایفاء کرده است. راجع به سی و دو فقره

صورتحساب باقی مانده، نظر دیوان این است که خواهان ثابت ننموده که کالاهای موضوع این صورتحسابها واقعا" به کارگزار حمل تحویل داده شده است. با توجه به مراتب بالا، تصمیم دیوان این است که پللی اکریل متعهد است جمع مبلغ هفت فقره صورتحساب، یعنی ۳،۱۸۳/۱۰ دلار را به خواهان پرداخت نماید و در نتیجه، سایر بخشهای این ادعا رد می شود.

چهارم - بهره و هزینه‌ها

الف - بهره

۱۰۱ - خواهان بابت کلیه مبالغ مورد حکم توسط دیوان، بهره ای به نرخ ۱۲ درصد مطالبه می کند. باتوجه به اینکه پرداخت بهره در قرارداد مقرر نشده است، دیوان طبق اصول و موازین مقرر در حکم شماره ۳-۸۹-۲۲۵ مورخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [۲۲ آوریل ۱۹۸۶] صادره در پرونده مک کالو اند کامپنی اینک و وزارت پست، تلگراف و تلفن مناسب می داند نرخ بهره را ۱۰ درصد تعیین کند. بهره از تاریخ هایی که ادعا به وجود آمده، تا تاریخ ابلاغ حکم به کارگزار امانی، به شرح زیر، محاسبه خواهد شد.

(الف) ادعای آرمه

(یک) نسبت به مبالغ متعلقه به موجب قرارداد، یعنی مبلغ ۴۱۲،۵۸۲/۶۷ دلار، بهره باید همانطور که خواهان تقاضا نموده از ۲۴ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۵ دسامبر ۱۹۷۹] یعنی تاریخ پذیرش نهایی کار توسط آفا، محاسبه شود.

(دو) نسبت به مبلغ ۶۵۲،۹۱۴/۶۰ دلار مربوط به ضمانت نامه مصالح، بهره باید از هشتم خردادماه ۱۳۵۷ [۲۹ مه ۱۹۷۸]، که عواید ضمانت نامه مصالح به آرمه پرداخت شد، محاسبه گردد.

(سه) نسبت به مبلغ ۷۰،۷۹۳/- دلار مربوط به ضمانت نامه حسن انجام کار، بهره باید از ۲۴ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۵ دسامبر ۱۹۷۹] که کارها پذیرفته شد و وجه ضمانت نامه می‌بایست آزاد می‌شد، محاسبه گردد.

(ب) ادعای دیبا: نسبت به رقم ۸،۰۶۷/۷۲ دلار مانده پرداخت نشده صورتحساب، بهره باید از نهم آبانماه ۱۳۵۵ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۶]، یعنی یکماه پس از صدور صورتحساب، محاسبه شود.

(ج) ادعای پلی اکریل: نسبت به رقم ۳،۱۸۳/۱۰ دلار مانده پرداخت نشده صورتحساب های لازم التادیه، بهره باید از ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۳۱ ژانویه ۱۹۷۹]، یعنی سی روز پس از میانگین تقریبی تاریخهای صدور صورتحسابهای مورد بحث، محاسبه شود.

ب - هزینه ها

۱۰۲ - خواهان مدعی است که طبق قواعد دیوان، محکوم له حق دریافت هزینه‌های حقوقی و غیرحقوقی خود را دارد. خواهان مدارکی تسلیم نمود، حاکی از آنکه وی مبلغ ۱۴۱،۶۷۹/۲۰ دلار بابتحق الوکاله پرداخته و هزینه‌های دیگری نیز جمعا" به مبلغ ۳۱،۱۷۰/۵۵ دلار متحمل شده است.

۱۰۳ - دیوان داوری ملاحظه می کند که خواهان مدعی است که دلایل ویژه‌ای برای حاکم شناختن وی در مورد هزینه‌های مورد مطالبه او در این پرونده، وجود دارد. خواهان استدلال می‌کند که وی با شرکت در مذاکرات سه مورد مصالحه نامه که مورد تأیید مقامات ذیربط دولت ایران واقع نشد، با حسن نیت، هزینه‌های اضافی قابل ملاحظه‌ای را متحمل شده است. بعلاوه، خواهان ظاهراً مدعی است که خواندگان تعمداً و با سوء نیت کوشیده‌اند که جریان رسیدگی را دستخوش اطلاع کنند، تا پرداخت ادعاهای معتبر پرونده حاضر با تاخیر مواجه شود. خواهان در تأیید ادعای خود به نامه مورخ ۱۴ مهرماه ۱۳۶۵ [ششم اکتبر ۱۹۸۶] اشاره می‌کند که توسط "مدیر سابق شرکت آرمه"، "آقای هوشنگ ناهیدالمبارکه" امضاء شده و خطاب به "آقای اشراق نماینده رابط ایران در دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحده، لاهه" است و به لایحه معارض خواهان ضمیمه گردیده است.

۱۰۴ - خواهان ضمن اشاره به این نامه اظهار می‌دارد:

نامه مزبور در عین حال که هم از لحاظ ماهیت ادعای (مطروح علیه) آرمه و هم از لحاظ صلاحیت دیوان نسبت به آن ادعای با مواضع خواهان کاملاً مطابقت دارد، در رابطه با استدلالات خواهان راجع به موضوعات یاد شده مطلقاً ضرورتی ندارد و صرفاً برای رد این تظاهر مداوم خواندگان، که در لوایح تسلیمی ایشان بطور ضمنی مشهود است، ارائه می‌شود بدین مفهوم که دفاعیات ایشان در این دادرسی، هدفی جز تاخیر در اجرای عدالت و تحمیل هزینه‌های اضافی به خواهان نداشته و ندارد.

۱۰۵ - دیوان داوری خاطر نشان می‌سازد که نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران، هم در جلسه استماع و هم در لایحه معارضی که در دیوان به ثبت رساند، به رسیدگی به این نامه در دیوان اعتراض کرده، اظهار داشت که آقای اشراق چنین نامه‌ای را دریافت نکرده و صحت و اصالت آن را نیز انکار می‌کند.

۱۰۶ - لکن دیوان داوری ادعای خواهان را مبنی بر اینکه خواندگان در دفاع در این پرونده مرتکب اعمال نادرستی شده‌اند، قابل تأیید نمی‌داند. دیوان داوری معتقد است که نامه مورخ ۱۴ مهرماه ۱۳۶۵ [ششم اکتبر ۱۹۸۶] اظهارات خواهان را به ثبوت نمی‌رساند، زیرا با انکار صریح صحت و سندیت آن توسط آقای اشراق، به ارزش اثباتی نامه خدشه وارد شده است.

۱۰۷ - معذک، در اوضاع و احوال پرونده حاضر، دیوان داوری مقتضی می‌داند که آرمه به پرداخت -/۳۵,۰۰۰ دلار آمریکا بابت هزینه‌های داوری خواهان، ملتزم گردد.

چهارم - حکم

۱۰۸ - بنا به دلایل پیش گفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌کند:

الف - خوانده، شرکت ساختمانی آرمه متعهد است مبالغ زیر را به خواهان، مینه سوتا ماینینگ اند منیو فکچرینگ کورپوریشن بپردازد:

۱ - مبلغ چهارصد و دوازده هزار و پانصد و هشتاد و دو دلار و شصت و هفت سنت (۴۱۲,۵۸۲/۶۷ دلار آمریکا) باضافه بهره ساده به نرخ ۱۰ درصد (۱۰٪) در سال (بر مبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۲۴ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۵ دسامبر ۱۹۷۹] تا تاریخی که کارگزار امانی

دستور پرداخت محکوم به را از محل حساب تضمینی به بانک امین بدهد.

۲ - مبلغ ششصد و پنجاه و دو هزار و نهصد و چهارده دلار و شصت سنت (۶۰/۶۵۲،۹۱۴ دلار آمریکا) باضافه بهره ساده به نرخ ده درصد (۱۰٪) در سال (بر مبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ هشتم خردادماه ۱۳۵۷ [۲۹ مه ۱۹۷۸] تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت محکوم به را از محل حساب تضمینی به بانک امین بدهد.

۳ - مبلغ هفتاد هزار و هفتصد و نود و سه (۷۰،۷۹۳) دلار آمریکا باضافه بهره ساده به نرخ ده درصد (۱۰٪) در سال (بر مبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۲۴ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۵ دسامبر ۱۹۷۹] تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت محکوم به را از محل حساب تضمینی به بانک امین بدهد.

۴ - مبلغ سی و پنج هزار و پنجاه و سه (-/۳۵،۰۰۰) دلار آمریکا بابت هزینه‌های داوری.

براین اساس، ادعای تخییری مطروح علیه وزارت مسکن و شهرسازی مردود شناخته می‌شود.

ب - خواننده، شرکت ابوالحسن دیبا و شرکاء با مسئولیت محدود، متعهد است مبلغ هشت هزار و شصت و هفت دلار و هفتاد و دو سنت (۷۲/۸،۰۶۷) دلار

امریکا) باضافه بهره ساده به نرخ ده درصد (۱۰%) در سال (بر مبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ نهم آبانماه ۱۳۵۵ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۶] تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت محکوم به را از محل حساب تضمینی به بانک امین بدهد، به خواهان، مینه سوتا ماینینگ اند منیوفکچرینگ کورپوریشن، بپردازد.

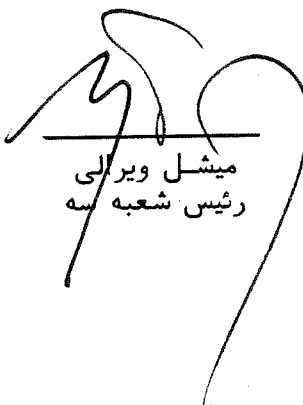
ج - خواننده، شرکت پلی اکریل ایران متعهد است مبلغ سه هزار و یکصد و هشتاد و سه دلار و ده سنت (۳،۱۸۳/۱۰) دلار امریکا باضافه بهره ساده به نرخ ده درصد (۱۰%) در سال (بر مبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۳۱ ژانویه ۱۹۷۹] تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت محکوم به را از محل حساب تضمینی به بانک امین بدهد، به خواهان، مینه سوتا ماینینگ اند منیو فکچرینگ کورپوریشن، بپردازد.

د - کلیه تعهدات بالا با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ایفاء خواهند شد.

ه - کلیه ادعاهای متقابل مردود شناخته می‌شوند.

بدینوسیله حکم حاضر جهت ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان داوری تسلیم می‌شود.

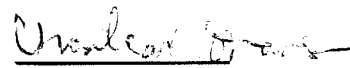
لاسه، به تاریخ ۲۷ آذر ماه ۱۳۶۶ برابر با ۱۸ دسامبر ۱۹۸۷


میشل ویرالی
رئیس شعبه سه

بنام خدا


پرویز انصاری

معین
نظرمخالف و موافق



چارلز ان. براوئر

با حکم کاملاً موافقم، هر چند ترجیح می‌دادم که دیوان با توجه به دلایل ذیل، کل هزینه‌های داوری مورد درخواست خواهان، یعنی ۱۷۲،۸۴۹/۷۵ دلار را بنفع وی مورد حکم قرار می‌داد، زیرا:

(۱) خواهان در قسمت اعظم ادعاهایش حاکم شناخته شده است.

(۲) کلیه ادعاهای متقابل رد شده‌اند.

(۳) مضافاً اینکه، این واقعیت که ادعاهای مطروح علیه خوانده، شرکت ساختمانی آرمه سه بار به شرط تصویب دولت جمهوری اسلامی ایران مصالحه شده و مورد موافقت قرار نگرفته، مبین آنست که ادامه دفاعیات خوانده مزبور در این پرونده به قصد اطاله دادرسی بوده است. این واقعیت به تفصیل در نامه مورخ دهم مهر ماه ۱۳۶۵ [۲ اکتبر ۱۹۸۶] آقای هوشنگ ناهید المبارکه که قبلاً نیز دفاعیه و جوابیه نهایی شرکت مذکور را امضاء کرده بود، مورد تأیید قرار گرفته است. نامه مزبور توسط مشاور خواهان دریافت گردیده، ولی نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران که ظاهراً نام به عنوان او بوده، دریافت آن را انکار کرده است.